نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir
سال سوم - شماره بیستم و یکم
سه شنبه ۹ دیماه ۱۳۹۳

نشریه افسران

ارزش ، اولویت تغییر در فرهنگ
بیا از مُردن حرف بزنیم
فریب های دوست داشتنی
میخواهند کودک قصه پادشاه را هم لخت کنند
مصاحبه با کاربر افسران Omidomidi

برای حضرت باران...

دلنوشته ای از:
sepehra

جانا خبرت هست که، حافظ هم، دیگر حوصله انگشتان خسته ی ما را ندارد...
آنقدر که فال بزنیم ، مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید؟
یا بخوانیم ، رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند؟
میدانی حتی، آنقدر تاب در دلمان نمانده که،بگویم بیا ؟

بیا و در بادیه ی کویریِ چشمان خشک شده ی ما،
بنشین و زلالی وجودَت را نور دیده هامان کن...

سالهاست هر کداممان شده ایم زلیخایی که،
حقیقت آمدنت را در زندان نفس خویش، اسیر کرده ایم...
و در افسانه های پوچ، آمدنت را؛ به انتظار نشسته ایم ...
و مدام نقشه می کشیم که این جمعه که برسد،
تو از راهی دور خواهی آمد و دنیای ما سپید میشود ...
سپیدتر از نور...
دریغا که هر روز، بر زبان تو را فریاد میکنیم و در دل سکوت، انتخابمان جز توست...
و چنین است که، زوال خورشید هر جمعه،
غرق در اندوه بی لیاقتی هایمان به سوگ نیامدنت می نشینیم...
و باز همچنان غافلیم...
غافل از این که، تو تنها راه نجاتی و ما راهِ آمدنت را با عصیان، بر خویش بسته ایم...
یوسفِ دل؛ کاش در کنعان خاکی این روزگار؛
آنقدر بی گناه، عمر کنیم که تو تعبیر خوابِ چشمهای بی پناهمان شوی ...

فهرست

برای حضرت باران ۲

سرمقاله ۴

کلام امام ۵

رژیم صهیونیستی در محاصره ستاره ۶پر ۶

گرافیک اطلاع رسان ۷

میخواهند کودک قصه پادشاه را هم لخت کنند ۸

ولایت بدون سانسور ۱۰

نگارستان ۱۱

غرب وحشی ۱۲

جریان شناسی رسانه (روزنامه اطلاعات) ۱۴

ارزش؛ اولویت تغییر فرهنگ ۱۶

گزارش تصویری پیاده روی اربعین ۱۸

هویت ملی و مؤلفه های آن ۲۰

فریب های دوست داشتنی ۲۲

وصیت نامه شهید محمود دایه علی ۲۴

خاکیان افلاکی ۲۵

کلیپ های تصویری ۲۶

کلیپ های صوتی ۲۷

۹دی؛ پاسخی دندان شکن به گناه نابخشودنی ۲۸

بیا از مردن حرف بزنیم ۲۹

تولیدات طنز افسران ۳۰

اخبار افسران ۳۱

داستانک (بچه مثبت) ۳۲

مصاحبه با کاربران ۳۳

احکام ۳۶

اشعار افسرانی ۳۷

برگی از بهشت ۳۸

دلنوشته ۳۹

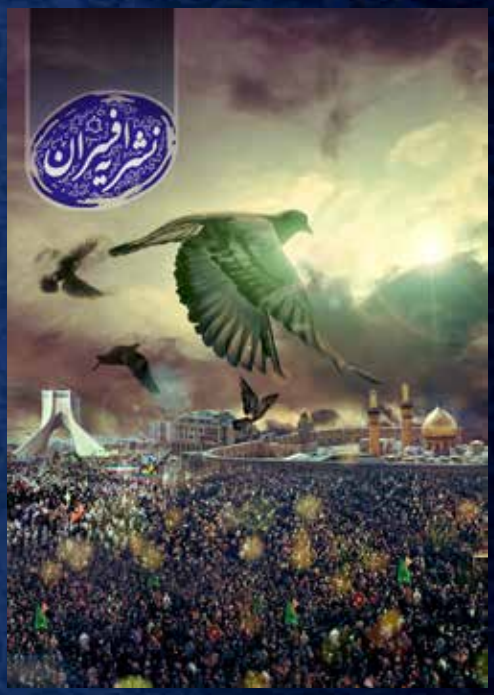

سردبیر ..... Baran

همکاران این شماره ..... Afsarejavan
Afsar0313
Alitahha135
Arezou
Azadandish
Hamase
Khademoshahid
Mahdiyar85
Mamitavanim92
Matinemami
Mehdi
Mim. z
Msabpeykar
Ostadnovin
Parasto
Parvaz77
Peimane
Ruqayyah69
Sepehra
Setia
Zaerezohoor
Zarfiat92

رایانامه: nashrie_afsaran@mihanmail.ir
وبلاگ : nashriye-afsaran.mihanblog.com

بسم الله الرحمن الرحیم

قرار بود مذاکرات هسته ای تا سوم آذرماه ۹۳ به نتیجه برسد و توافق نهایی حاصل گردد اما بنا به دلایل مختلف این نتیجه حاصل نشد و تیم دیپلماسی دست خالی از وین برگشت .
نتیجه جلسات وین توافق جدیدی بود که بر پایه تمدید توافقنامه ژنو برای ۷ ماه شکل گرفت . این توافق مورد حمایت طرفین مذاکره کننده قرار گرفته است . این ۷ ماه می تواند فرصت مناسبی برای هرکدام از تیم های درگیر مذاکرات باشد تا شرایط را به نفع خود پیش ببرد .
فارغ از مثبت و منفی های توافقات حاصل شده و میزان توانمندی تیم ایرانی در چانه زدن های گذشته باید امیدوار بود این تیم در روزهای حساس پیش رو لااقل از فرصت های پیش امده حداکثر استفاده را برای کسب موضع برتر در مذاکرات ببرد .
در شرایط موجود که آمریکا غیر از مسائل هسته ای از ابزارهای جانبی مثل ناامن سازی کشورهای همسایه ایران ، کیه بر قطعنامه های حقوق بشری علیه ایران و فشار رسانه ای در مورد تسلیحات ایران بخصوص تسلیحات موشکی برای تاثیرگذاری روی تیم ایرانی بهره وافی می برد ، تیم ایرانی نیز باید از نقاط ضعف حریف حداکثر استفاده را ببرد تا بازنده عملیات روانی اعمال شده بر فضای مذاکرات نباشد .
در روزهای اخیر اخبار مختلفی از افشای مشکلات و جنایت پنهان آمریکا منتشر میشود که می تواند تبدیل به برگ برنده ای برای مجموعه دیپلماسی کشورمان باشد :

۱- انتشار گزارش کمیته اطلاعاتی سنای امریکا درباره شکنجه در سازمان سیا
۲- افزایش موج اعتراضات مردم آمریکا به نژادپرستی موجود در این کشور و خشونت های جنایتکارانه پلیس ایالات متحده علیه مردم . طبق گزارش اسیوشیتدپرس سالانه ۴۰۰ آمریکایی توسط پلیس این کشور کشته میشوند که اغلب کشته شدگان سیاه پوست هستند .
۳- انتشار اسناد ترورهای «سیا» توسط ویکی لیکس که اثبات می کند ترور» بخشی از سیاست‌های نهادینه شده آمریکا است.
۴- جنگ پنهان با روسیه سر مناقشات اوکراین و سوریه و مقابله روسیه
۵- رقابت اقتصادی شدید با چین که طبق گزارش صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۱۴ به عنوان قدرت برتر اقتصادی جهان جای آمریکا را در این رتبه می گیرد .
۶- ناامنی های داخلی اسراییل و اعتراضات ساکنان سرزمین های اشغالی به سیاست های دولت آن علاوه بر ناامنی های ایجاد شده از خارج آن توسط نیروهای حزب الله و جهادی . این موضوع از این لحاظ حائز اهمیت است که امنیت اسراییل در منطقه هدف اصلی آمریکا ست .

اگر دولت و مجموعه دیپلماسی آن بتوانند از این شرایط استفاده بهینه را ببرند احتمال پیروزی در مذاکرات با شیطان به مراتب تقویت خواهد شد .
داشتن موضع حق در برابر زیرپاگذاشتن حقوق بشر توسط آمریکا و ایجاد مطالبه گری در افکار عمومی جهان نسبت به این موضوع ، استفاده از اختلافات روسیه و چین در مقابل آمریکا و تلاش برای هرچه بیشتر ناامن کردن اسراییل با تقویت جهادگران در کرانه باختری می تواند به سرعت آمریکا را در موضع ضعف قرار دهد و ابتکار عمل را از او بگیرد .

امیدواریم دولت محترم به جای تمرکز بر حمله به منتقدان داخلی و میدان دادن به قلم ها و حنجره های بی ارزش و خودفروخته برای تضعیف مواضع ایران و توجه به توصیه های رهبر معظم انقلاب در مورد اقتصاد مقاومتی ، از فرصت های پیش آمد برای جبران گذشته نه چندان طولانی مدت استفاده کند و در جهت کسب عزت ملت ایران گام بردارد .

baran

«...امروز دشمنان ما، رادیوها، بعضیها هم با اینها همزبان میشوند، هی مسئله‌ی تحریم را بزرگ میکنند، بزرگ میکنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است.

تحریم از اول بوده است. امروز دشمنان ما - چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولتهای اروپائی - تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله‌ی انرژی هسته‌ای. دروغ میگویند. آن روزی که اینها تحریمها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی میکند و به اینجور تصمیمها وادار میکند، سرافرازی ملت ایران است، گردنکشی ملت ایران است. این روحیه‌ی استقلال، این روحیه‌ی قدر خود شناختن، این روحیه‌ی عدم تسلیم که به برکت اسلام و قرآن در ملت ایران به وجود آمده، این است که آنها را عصبانی میکند؛ برای همین هم است که با اسلام بدند، برای همین هم است که به پیغمبر اسلام اهانت میکنند؛ میدانند که اسلام وقتی در یک کشوری رسوخ کرد، روحیه‌ی استقلال در آن کشور آنچنان خواهد بود که دیگر زیر بار آنها نمیرود. آنها افراد ضعیف و زبون را در رأس کشورها یا به دست می‌آورند یا منصوب میکنند، برای اینکه از آنها اطاعت کنند. وقتی جائی مثل کشور ما، مسئولین را مردم معین میکنند، حضور مردم در همه‌ی صحنه‌ها حضور برجسته‌ای است، آنها چه کار میتوانند بکنند؟ مردم مؤمن، مردم معتقد به مبانی اسلامی، مردم روحیه‌گرفته‌ی به برکت اسلام، در مقابل اینها کوتاه نمی‌آیند؛ لذا اینها هم عصبانی‌اند؛ حالا امروز اسمش را میگذارند انرژی هسته‌ای! وانمود میکنند که اگر ملت ایران از انرژی هسته‌ای صرفنظر کند، تحریمها برداشته میشود. دروغ میگویند.

از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریمهای غیر منطقی میکنند؛ تحریمهائی که همه‌ی عقلا و انسانهای باانصاف عالم وقتی نگاه میکنند، میبینند اینها کارهای غیر منطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک جنگِ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهیِ مغلوب ملت ایران خواهند شد.

البته مشکلاتی به وجود می‌آورند، بعضی از بی‌تدبیریها هم این مشکلات را افزایش میدهد - اینها هست - ولی اینها چیزی نیست که جمهوری اسلامی نتواند اینها را حل کند. به توفیق الهی، ملت ایران از همه‌ی این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ایران و مسئولین کشور از این بزرگترها و دشوارترهایش را حل کرده‌اند؛ اینها که چیزی نیست...»

بیانات امام خامنه ای در جمع مردم بجنورد
مهرماه ۱۳۹۱

رژیم صهیونیستی در محاصره ستاره شش پر

ارائه پیش نویس قطعنامه پایان اشغال فلسطین ، خبری بود که به سرعت در هفته گذشته مورد توجه خبرگزاری های جهان قرارگرفت . قطعنامه ای که توانسته حامیان خود از تشکیلات خودگردان ، اتحادیه عرب ، اتحادیه اروپا و حتی شیمون پرز را در یک فهرست بگنجاند و از دیگر سو حماس ، رژیم صهیونیستی و آمریکا را علیرغم وجود وجه اشتراک ، در جبهه مخالفان قرار دهد.
تابستان سال جاری و همزمان با بازی های جام جهانی ، رژیم صهیونیستی نقشه عملیاتی خود را برای نسل کشی در غزه به اجرا می گذارد تا با شکستن شاخه اصلی مقاومت فلسطینی یعنی حماس ، اعتبار از دست رفته خود پس از شکست های مفتضحانه پیشین باز پس گیرد لیکن این هدف نه تنها محقق نگشت بلکه ایستادگی مردم مقاوم غزه ، خروش کرانه باختری و شکل گیری یک ائتلاف مردمی جهانی را علیه این رژیم به همراه داشت. اگر چه در آغاز کارشناسان بسیاری بر فاجعه بار بودن پیامدهای این جنگ بر سرنوشت رژیم صهیونیستی تاکید نمودند اما به نظر نمی رسید این پیامد ها این رژیم را در یک محاصره شش محوری قرار دهند .

۱- نظرسنجی های متعدد از ساکنین سرزمین های اشغالی موید آن است که پس از جنگ اخیر غزه نارضایتی ها نسبت به اقدامات این رژیم به صورت گسترده ای افزایش یافته است . اگر چه مشکلات اقتصادی - رفاهی به عنوان دلایل اصلی اعلام می گردد اما عدم احساس امنیت در ساکنین اراضی اشغالی می تواند تیر خلاصی بر آرمان ارض موعود دولت جعلی یهود باشد.

۲- از سوی دیگر افزایش ۲۰ درصدی فرار سربازان از خدمت در ارتش صهیونیستی زنگ هشدار جدی ای را برای مقامات و فرماندهان این رژیم نواخته است تا آنجا که خاخام اعظم ارتش در جمع سربازان هراسان این رژیم اعلام می کند : «مسجدالاقصی هیچ جایگاهی در میان مسلمانان ندارد. مسلمانان برای این مسجد چه کرده اند». صرف نظر از عبارت یاد شده ، بیان آن در میان سربازانی که هر روز را با هراس آغاز جنگی تازه و یا شعله کشیدن انتفاضه ای نو به سر می برند خالی از لطایف نیست.

۳- محور بعدی محاصره رژیم صهیونیستی را می توان اختلافات اعضای این دولت جعلی دانست .اگر چه تاریخ گواه عدم وجود تفاوت های بنیادی در سران این رژیم جعلی می باشد اما جنگ قدرت و تلاش برای تبرئه خود در ناکامی جنگ اخیر می تواند این کابینه را به پرتگاه سقوط بکشاند . از دیگر سو اعلام چندین و چند باره مقامات آمریکایی پس از جنگ غزه بر عدم حمایت از نتانیاهو می تواند تاکیدی بر وضعیت بغرنج این رژیم باشد.

۴- کرانه باختری به عنوان محور چهارم توانسته مقامات صهیونیست را در یک وضعیت هشدار دائمی برای قرار دارد . اعتراضات و تظاهراتی که در خلال جنگ غزه آغاز شده ، با توجه به جنایات جدید رژیم صهیونیستی ، اکنون به یک روند ثابت در این منطقه و به ویژه شهر بیت المقدس تبدیل گشته است . تا آنجا که علاوه بر شهدا، شمار فلسطینیان بازداشت شده در یک ماه اخیر از مرز پانصد تن نیز گذشته است. این در حالی است که این رژیم هم چنان در شکستن اعتصاب غذای ۱۲۵ اسیر فلسطینی معترض به حبس های انفرادی طولانی مدت ناکام مانده است . بی نتیجه ماندن تلاش های عربستان و امارات عربی متحده جهت آرام ساختن قدس ، نتانیاهو را بر آن داشت تا در اعترافی اعلام کند : «با ادامه شرایط فعلی، حماس بر کرانه باختری هم مسلط می شود.»

۵- کارشناسان سیاسی نقش سخنرانی رهبر انقلاب ، امام خامنه ای «حفظه «در مرداد امسال و نیز تاکید مجدد ایشان در آذر ماه جاری بر مسلح ساختن کرانه باختری همچون غزه را دلیل اصلی محکوم به شکست بودن اسرائیل در تسلط بر این فضا می دانند چرا که با رسانه ای شدن این بیانات در رسانه های جهان ،اولا اسرائیل عملا امکان سانسور و بایکوت خبری پیرامون وضعیت کرانه باختری را از دست داد و ثانیا رویای آرام سازی افکار عمومی جهان به عنوان محور پنجم فشار بر این رژیم پس از جنگ غزه را به یک خیال خام بدل نمود. آنچه مسلم است در شرایط یاد شده تنها راه پیش پای رژیم صهیونیست برای نجات از این بحران ، وارد کردن سربازان گوش به فرمان همیشگی اش به میدان مبارزه است.

۶- و محور مقاومت به عنوان محور اصلی محاصره . طرح پیش نویس قطعنامه پایان اشغال فلسطین و نحوه دستیابی به صلح با رژیم صهیونیستی در شرایطی روز چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ، توسط اردن -تنهاکشور عرب عضو شورای امنیت- به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شد که زمزمه های آن در یک ماه گذشته به کرات از سوی مقامات تشکیلات خودگردان و به ویژه در نشست وزرای خارجه اتحادیه عرب به گوش می رسید. قطعنامه ای که ریاض منصور -سفیر فلسطین در سازمان ملل- از آن به عنوان پایه و اصولی برای دست یابی به یک توافق نهایی با رژیم صهیونیستی ، مبتنی بر یک جدول زمانبندی شده برای پایان اشغالگری این رژیم یاد می کند.
شاید بتوان اولین موضع گیری محور مقاومت فلسطینی در مورد این پیش نویس را در پیام جنبش مقاومت اسلامی جستجو کرد. حماس دو هفته قبل از ارائه رسمی این پیش نویس اعلام کرده بود : ملت فلسطین که با قطعنامه تقسیم صادره در ۱۹۴۷ مخالفت کرد ، هرگز هیچ حقی برای اشغالگران صهیونیست در خاک فلسطین قائل نخواهد . ما از تشکیلات خود گردان فلسطین می خواهیم که به «کمدی مذاکرات» پایان دهد.
پیامی که اگر چه با دیگر پیام های تاکید بر مقاومت تفاوت چندانی نداشت اما تاثیر بسزایی بر روشن شدن ابعاد گسترده طرح پیشنهادی عربی - اروپایی داشت. تا آنجا که اتحادیه اروپا را واداشت تا دو طرح خروج حماس از فهرست سازمان های تروریستی و به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی را در دستور کار خود قرار دارد . شاید بتوان اوج این بازی رسانه ای را رای مثبت اتحادیه اروپا به هر دو طرح یاد شده (بخوانید حق سکوت هایی برای محور مقاومت) هم زمان با ارائه پیش نویس یاد شده به سازمان ملل دانست.
اگر چه این طرح با موافقت دولتهای عربی – اروپایی و مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی ، توانایی به القوه تبدیل شدن به یک نمایش رسانه را خوهد داشت اما به طور حتم راه نجات این رژیم جعلی نخواهد بود . چرا که مفاد اصلی این طرح یعنی شناسایی رژیم صهیونیستی به عنوان دولت یهودی در اراضی اشغالی ۱۹۶۷ ، اسکان آوارگان در کشورهای محل سکونتشان و پرداخت غرامت و در پایان خلع سلاح مقاومت ، تنها موجب تنگ تر شدن حلقه محاصره این غده سرطانی از جانب محور اصلی یعنی محور مقاومت خواهد بود. نکته ای که رهبر انقلاب ، امام خامنه ای «حفظه « در سخنرانی اخیرشان پیرامون مذاکرات هسته ای ایران و ۱+۵ نیز بر آن تاکید نمودند :» چه توافق بشود چه نشود ، اسرائیل روز به روز نا امن تر خواهد شد.»

نویسنده: ruqayyah69

گرافیک اطلاع‌رسان

«رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی منفعت برود!؟ عده‌ای اینجور وانمود می‌کردند که اگر با آمریکایی‌ها دور میز مذاکره بنشینیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود، البته ما می‌دانستیم اینجور نیست اما قضایای یک سال اخیر برای چندمین بار این واقعیت را اثبات کرد.
آمریکایی‌ها نه تنها دشمنی‌ها را کم نکردند بلکه تحریم ها را هم افزایش دادند! البته می‌گویند این تحریم‌ها، جدید نیست اما در واقع جدید است و مذاکره در زمینه‌ی تحریم هم، فایده‌ای نداشته است.»

بیانات امام خامنه ای در جمع مسئولان وزارت خارجه و سفرا
۱۳۹۳ / ۰۵ / ۲۲

برای دریاف اندازه اصلی از لینک زیر استفاده کنید
http://bayanbox.ir/id/3927113279369179 01?view

هرچقدر سعی می کنند جلوی کودک و فریاد ها و ریشخندهایش را بگیرند ، نمی توانند.
او لبخند میزند و فریاد می زند که «پادشاه لخت است!» و نیشخند می زند و متعجب است که «چرا پادشاه لخت است؟!» و فریاد می زند و متحیر است که چرا همه ساکت اند و لخت بودن پادشاه را فریاد نمی زنند و به بی خردی پادشاه نمی خندند ؟!

داستان «لباس جدید پادشاه» را حتماً شنیده اید.پادشاهی که از خیاطانی حیله گر وعده ی دوخت یک لباس استثنائی را می گیرد.لباسی که جز دانایانِ توان دیدن آنرا ندارند و لباس خیالی مثلاً دوخته می شود و بر تن پادشاه می شود و پادشاه لخت در معرض دید همگان قرار میگیرد و گفته می شود که هر کس نتواند این لباس زیبا و فاخر را ببیند «نادان» است!

و همین اتهام کافی است تا خود پادشاه و اطرافیان وی و حتی مردم کوچه و بازار هم لباسِ ندیده را ببینند و بر تار و پود نداشته اش و طرح و رنگ موهومش آفرین و تبریک بگویند و از ترس برچسبِ نادان خوردن ، تظاهر پادشاهِ لخت به لباسی زیبا در تن داشتن را با تظاهری جواب داده و بجای به هوش آوردن پادشاه و سایرین و فریاد کشیدنِ لختیِ پادشاه ، در دام عملیات روانی خیاطانِ حیلَه گر افتاده و به به و چه چه کنان ، تبریک می گویند به پادشاه!
و در این بین کودکی صادق و صریح و هشیار که چشم در چشم پادشاه لخت بودن او را فریاد می کشد...

***

چندی پیش رئیس جمهور روحانی ، در مراسم روز دانشجو و در جمع دانشجویان و دانشگاهیان و فرهیختگان ، دفترِ واکنش نشان دادن‌ها به واکنش‌های منتقدان خود را ورقی تازه زد و از آخرین نسخه‌ی توهین به منتقدین رونمایی کرد.وی منتقدین دولت را «یک عده تازه به دوران رسیده» خطاب کرد و از آنها خواست که اینقدر «نگران انقلاب» نباشند!
«یک عده تازه به دوران رسیده که البته ما به آنها هم احترام می گذاریم، نمی خواهد اینقدر نسبت به آینده و ارزشهای انقلاب و ارزشهای اسلام دل‌نگران باشند.»
پیش‌تر نیز در برگ دیگری از دفتر انتقادپذیری رئیس‌جمهور ، در یک کنفرانس خبری در سالگرد آغاز به کار دولت ، ایشان منتقدین را تهدید به درآوردن لباس نقد از تن آنها کرده بود.
از این قبیل تعابیر رئیس‌جمهور خطاب به منتقدین ، به یاد پادشاه و داستانش افتادم.
بیش از یکسال از عمر دولت میگذرد.قطعاً تلاش رئیس جمهور و دولت ایشان در جهت جامه ی عمل پوشانیدن به شعارها و وعده های انتخاباتی خود در حوزه های مختلف اقتصادی ، سیاست خارجی و... بوده است.این تلاش قابل تقدیر است.اما با ناکامی های نسبی ایشان در این عرصه ها ، نظیر عدم رخ دادن اتفاق خاصی در بهبود وضعیت معیشتی مردم ، بی نتیجه بودن دیپلماسی لبخند و تعامل گرا با کسانی که منش تعاملی خود را در واژه هایی نظیر «تهدید» و «تحریم» اثبات کرده اند و... بجای اینکه دولت و شخص رئیس جمهور ضمن اظهار یک عذرخواهی خاضعانه و در عین حال بزرگوارانه به محضر مردم ، به افزون کردن تلاش های خود و یا اصلاح رویه ها در جهت تحقق وعده ها بپردازد ، سعی کرده است جامه ای موهومی از عمل به تن وعده ها و شعارها بپوشاند و خود را موفق و کامیاب جلوه دهد.
بدن عریانِ تدبیر و هشیاریِ دولت تدبیر و امید! در عرصه ی سیاست خارجی که توافقنامه ژنو و داده ها و تبعات آن (که مجال پرداختن به آنها نیست!) آنرا بخوبی عیان می کند ، از سوی خیاطانی زبردست سعی می شود که طور دیگری جلوه داده شده و بر قامت آن لباسی موهوم و به خیال خود زیبا ، مجلل و با شکوه

می‌خواهند کودک قصه‌ی پادشاه را هم لخت کنند!

بپوشانند.سیاست خارجی ای که میوه و دستاورد یکساله ی آن ، یعنی توافقنامه ژنو و «تمدید»های پیاپی‌اش، علاوه بر اینکه مُهر انسداد بر پیشرفت علمی و تکنولوژیک کشور زد و صرف نظر از اینکه برای عزت و اعتماد به نفس ملی نقشی مخرب بازی کرد ، تخیلات دشمن مبنی بر رویکرد دولت جدید در سیاست خارجی را برای وی به اثبات رسانیده و وی را گستاخ تر و بی شرم تر کرد.

سیاست خارجی ای که برهنگی فرزند آن ، توافقنامه ی ژنو ، علاوه بر امتیازات فراوان داده شده ، از اجرا نشدن و قابل تفسیر و تحریف بودن مفاد آن توسط طرف مقابل ، روشن شد ، اما با رویکردی تأمل برانگیز نه تنها سعی شد لباسی فاخر بر اندام آن پوشانیده شود و این توافقنامه ، «سر فرود آوردن غرب و شرق در برابر ایران» عنوان بگیرد ، که به خیاطان آن لباس لقب «قهرمان دیپلماسی» داده شده و از آنها تقدیر و تجلیل هم می شود.

در دیگر عرصه ها و دیگر بخش های دولت ، با وجود بعضی موفقیت ها و تدبیرها و اتفاقات مثبت اتفاق افتاده ، نظیر اقدامات وزارت بهداشت ، باز هم شاهد کاستی ها و نقایصی هستیم که شاید در نگاه اول طبیعی و برای هر دولتی وجود آنها متصور باشد ، اما مسئله ی قابل تأمل و نامطلوب ، باز هم همان رویکرد لباس تدبیر پوشانیدن بر اندام آنهاست.
وزیر نفتی که به موجب تجربه حضور وی در این جایگاه در سال های قبل و فساد رخ داده در آن دوران و با بازگشت مجدد وی به این وزارتخانه ، کشور در آستانه ی یک ضرر و خسارت عظیم قرار گرفته است ، باتدبیر ، کاردان و ژنرال جلوه کرده و یک سرِ دنباله ی لباس موهوم تدبیر ، به دست وی داده شده و حتی از وی در سالگرد دولت ، بعنوان وزیر برتر ، تجلیل هم می شود!

پادشاهِ تدبیر دولت عریان است ، لباسی فاخر و موهومی برای آن دوخته شده و پس از آن سعی می شود با برچسب هایی نظیر کم سواد ، معدود ، بیکار ، دچار توهم ، عصر حجری ، افراطی ، ترسو و لرزان و... دیگران

از عریان دیدنِ پادشاه بازدارند و این طور القا کنند که هرکس لباس فاخر تدبیر پادشاه را نبیند ، ناگزیر با این برچسب ها همراه خواهد بود.هر کس لباس را نبیند ، «نادان» است و باید برود به «جهنم».اصلاً آنکه لباس پادشاه را نمی بیند ، از جایی خاص تغذیه شده و مأمور است که نبیند و«باید برود به جهنم!»

با همه ی این برچسب ها و تهدیدها و فشار ها اگر چه بسیاری از اطرافیان و متأسفانه برخی از مردم خود را وادار به دیدن لباس پادشاه کرده و یا از زیبایی های لباس می گویند و یا اینکه ساکت اند و متحیر فقط نظاره می کنند ، اما گروهی هم هستند که نه تنها تحت تأثیر جو تبلیغاتی پادشاه و خیاطان قرار نگرفته و لباس موهوم را تایید و تجلیل نمی کنند که از ترس برچسب خوردن هم ساکت نمانده و با انگشت پادشاه را نشانه گرفته و عریان بودن پادشاهِ تدبیر را فریاد می زنند.

توافقنامه ژنو را علمی ، حقوقی و سیاسی نقد می کنند ، از کرسنت می گویند و به غارت رفتن منافع ملی را فریاد می زنند.دغدغه های فرهنگی خود را ابراز و از اقدامات غیر فرهنگی دولت گلایه می کنند.از عزت بر بادرفته ی مردم و کشور در ژنو و توافقنامه اش و در خیابان ها و سبد کالایش می گویند.
شاید در ظاهر این جماعت ، کودک به نظر بیایند و کم سواد و افراطی لقب بگیرند و به جهنم فراخوانده شوند ، اما هشیاری ، صراحت و شهامت آنها در بیان واقعیات و آنچه که می بینند ، تحسین برانگیز بوده و میتواند نهایتاً منجر به آگاهی و هشیاری مردم و حتی خود پادشاه شود.

اما ماجرا آنجایی جالب و عجیب می‌شود که در ادامه ی سریال برچسب زنی ها و برخورد های چکشی جناب رئیس جمهور با منتقدینِ واقع بین که لباس فاخر! را نمی بینند ، ایشانَ منتقدین را از طرفی «تازه به دوران رسیده» و به قولی کودک قلمداد کرده و به آنها می‌خندد و از طرفی در مورد آنها می‌گوید:
«اگر کسی بخواهد لباس زیبای نقد را بر تن کند اما عمل تخریب انجام دهد، آن لباس را از تنش در می‌آوریم و به مردم معرفی می‌کنیم و می گوییم این لباس، لباس واقعی نیست و تقلبی است!»

بله! این جمله ی رئیس جمهور بود خطاب به آنهایی که عریان بودن تدبیر را فریاد می زنند! آنهایی که از عریان بودن گلایه می کنند تهدید به عریان شدن می شوند.آنهایی که لباس موهوم پادشاه را نمی بینند و فریاد می کشند این برهنگی را ، نه تنها بخاطر این هشیاری و صراحت مورد تقدیر قرار نمی گیرند که مورد تهدید هم قرار میگیرند که لباسِ هشیاری و صراحت و نقد را از تن آنها درخواهند آورد.

گویا آنکه خود لباس دارد و از بی لباسی گلایه میکند ، مزاحم است.یا او هم باید ساکت باشد و حرفی از عریانی پادشاه نزند ، یا اینکه لباس او ، سلاح او ، زبان نقاد و مصلح او ، تدبیر و هشیاری و صراحت و شهامت او هم گرفته شود تا او هم دیگر عریان باشد و زبانش کوتاه...
صد البته که کودک هشیار قصه با این تهدید ها و تَشَرها از میدان به در نشده و تا هشیار کردن دیگر مردم بُهت زده و حتی خود پادشاه به فریادها و انگشت نما کردن عریانی پادشاه ادامه می دهد. بهتر است سعی نکنند کودک هشیار قصه را منزوی کنند.که او منزوی نخواهد شد...

هدف بیداری و دوری از توهم و تخیل است. بیداری مردم و شاید هم پادشاه...

نویسنده : mahdiyar85

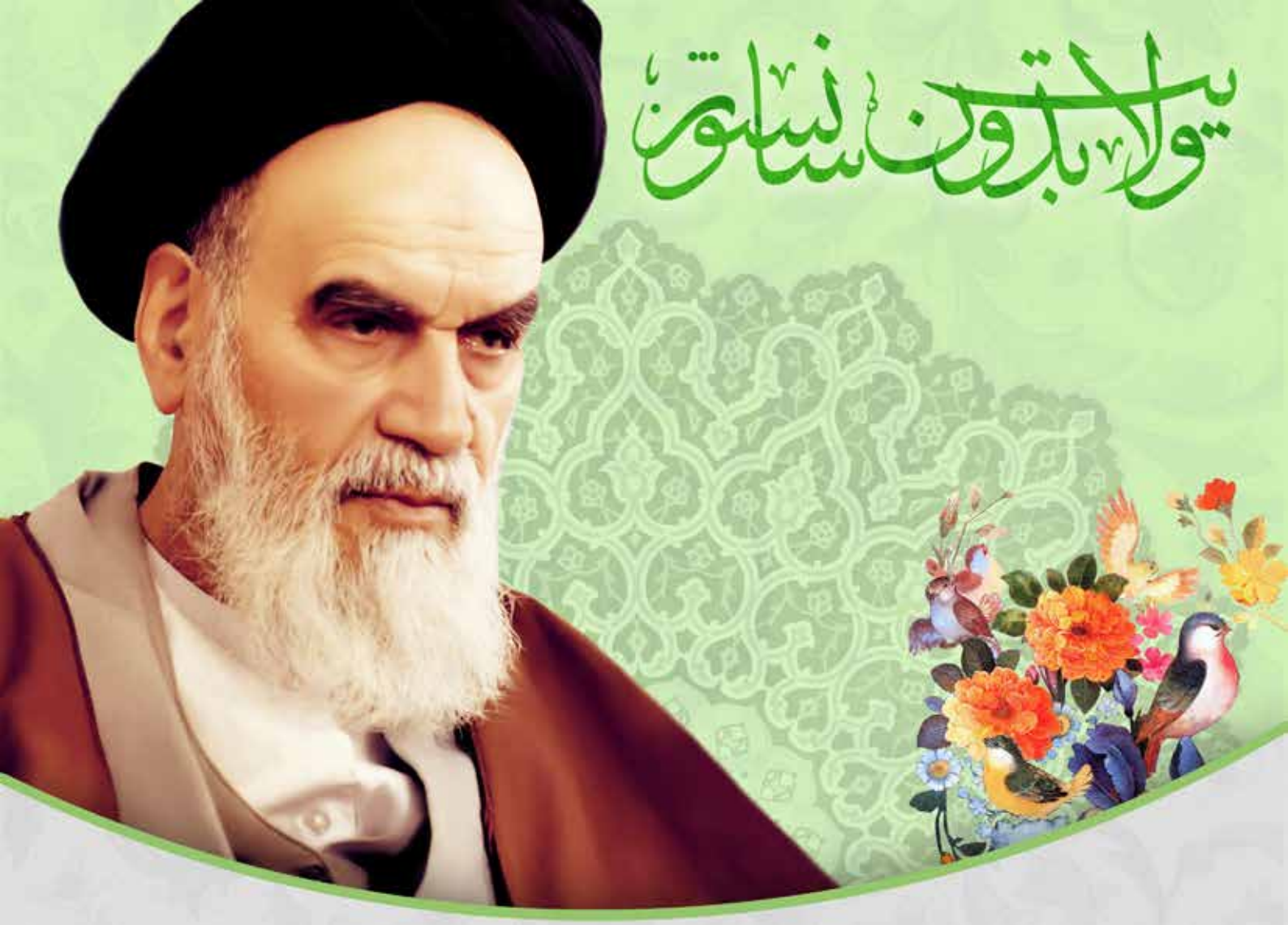

من قبلا نیز گفته ام همه توطئه های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوییم اسلام جوابگوی جامعه است و حتما در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.

ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان شاءالله تمام رگه های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می نماییم...

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم ، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته وعلاقه مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتا انزوای کشور شده است و اگر ما واقعگرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می گذارند.

صحیفه امام ، جلد بیست و یکم - صفحه ۲۷۳ (۳ اسفند ۱۳۶۷، منشور روحانیت)

من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و ازهیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد وفحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست . انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنافداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قراردهد.

مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد.

باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنانیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

صحیفه امام، جلد بیست و یکم - صفحه ۳۲۷، (۲ فروردین ۱۳۶۸، پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی)

ارسالی توسط: alitahha135

نگارستان

نوزده
ما با ولایت زندگیم

مقام معظم رهبری :
فتنه ۸۸، صرفا منحصر به حضور
عده‌ای افراد درخیابانها نبود، بلکه
ناشی از یک بیماری بود که با
اقدامات سیاسی و امنیتی قابل
دفع شدن نبود، و به یک حضور
عظیم مردمی نیاز داشت ،
که چنین هم شد (اشاره به ۹ دی)

شعبون بی مُخ های ۸۸
باطل شد
۱۳۸۸/۱۰/۹

۹ دی

۹ دی، ندای هل من ناصر بلند نشد
ولی فریاد لبیک یا حسین ... تا آسمان به گوش همه رسید

شاخه گلی برای امام

مرگ هزاران نفر در چند ثانیه !

گرچه جنگ جهانی اول پایان یافته بود اما لشکر کشی ها و دخالت های آمریکا در کشورهای مختلف پایان نیافت در فاصله سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۹ ارتش آمریکا جنگ های متعددی را انجام دادند از جمله : اشغال مجدد کشور پاناما به خاطر اختلافات مرزی بین این کشور با کاستاریکا ، اعزام نیروی دریایی به چین برای مقابله با قیام ناسیونالیستهای چین ، اشغال هندوراس ب خاطر حفظ منافع یک شرکت آمریکایی و ...

دوره ریاست جمهوری فرانکلین روزولت مقارن با آغاز و پایان جنگ جهانی دوم بود و لذا امریکا بر خلاف جنگ جهانی اول ، درکنار متفقین وارد جنگ شد . روزولت دخالت در اروپا را به نفع آمریکا تشخیص داد زیرا اولاً اروپاییان را مقروض آمریکا می کرد و ثانیاً بعد از سقوط هیتلر در طرح بازسازی اروپا که بعدها به (Marshal plane) معروی شد، شرکت می کرد و در تصمیم گیری های سیاسیون اروپا، دولت آمریکا می توانست دخالت مستقیم داشته باشد.

در این دوره آمریکا توانسته بود در زمینه تولید هواپیما، کشتی جنگی و تجارتی، توپ و تانک و صنایع جنبی نظامی بیش از کشورهای روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان جنگ افزار تولید نماید. این حرکت در آمریکا باعث رونق صنایع و اقتصاد آمریکا شد؛ اما محصولات تولید شده می بایستی در جایی مصرف شود تا روند تولید متوقف نشود. روزولت رئیس جمهور آمریکا در ابتدای جنگ، اعلان بی طرفی کرد اما به فکر مصرف سلاح های تولید شده بود.

به این جهت در ۱۱ مارس ۱۹۴۱ قانونی از کنگره آمریکا به نام «قانون وام و اجاره» (The Lend Lease Act) به تصویب رسید. به دنبال تصویب این قانون بود که زیردریایی های آلمان در اقیانوس اطلس مزاحم کشتی های آمریکا شدند که برای انگلستان ملزومات نظامی حمل می کردند.

به دنبال حمله ناگهانی ارتش آلمان به روسیه در ۲۲ ژوییه۱۹۴۱ و پیشرفت سریع ارتش هیتلر به سمت مسکو، لنینگراد و استالینگراد و اعلان جنگ میهنی در روسیه بر ضد تجاوز نازیسم، چرچیل از فرصت استفاده کرد و ضمن ملاقات با روزولت در عرشه کشتی «پرنس آف ولز» (Prince of Wales) ضمن محکوم کردن تجاوز به شوروی، روس‌ها را به کمک آمریکا امیدوار ساخت.

از آن پس عملاً دولت آمریکا نیز به متفقین پیوست و در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ برای انتقال کمک های انگلیس و آمریکا به شوروی، خاک ایران اشغال شد و سیل کمک های تسلیحاتی آمریکا به سوی روسیه شوروی سرازیر شد. واقعه حمله ژاپن که متحد آلمان بود به بندر «پرل هاربور» در هاوایی باعث شد که آمریکا در دسامبر ۱۹۴۱ در کنار انگلستان به ژاپن اعلان جنگ داد و از آنجا که آلمان، ایتالیا و ژاپن در سپتامبر ۱۹۴۰ پیمان سه جانبه ای در مورد همکاری در نبرد در صورت حمله دشمن به هر یک از سه کشور امضا کرده بودند، هیتلر نیز در ۱۱ دسامبر به آمریکا اعلان جنگ کرد.

به این ترتیب جنگ از محدوده اروپا خارج شد و جنبه جهانی پیدا کرد که طی آن بیش از ۲۰ میلیون نفر جان باختند و شهرهای بسیاری ویران شد.

در ۸ آوریل ۱۹۴۲ نخستین حمله هوایی ناگهانی به شهر توکیو به وسیله بمب افکن های متوسط آمریکایی صورت گرفت.

در۱۶ ژوییه سال ۱۹۴۵ پس از پنج سال تلاش شبانه روزی در قالب طرحهای سری لوس آلاموس ، نخستین

بمب اتمی با نام « Gadget » در حضور یکصد نفر از دانشمندان در صحرای آلاموگودور در صحرای نیو مکزیکو واقع درجنوب غربی ایالات متحده آزمایش شد، تا برتری قدرت امریکا در عرصه بین الملل تثبیت شود.
پس از تسلیم آلمان در ماه مه ۱۹۴۵ ، ترومن (رییس جمهور دموکرات) در جولای همان سال درکنفرانس (پست دام) پیرامون اروپای پس از جنگ شرکت کرد و زمینه های حضور امریکا در اروپا تثبیت شد.
در این سال یکی وحشیانه ترین جنایات تاریخ صورت گرفت و به دستور ترومن، رییس جمهور وقت آمریکا و با هدف تسلیم کردن امپراتوری ژاپن، هواپیمای آمریکایی ،هیروشیمارا درساعت ۸:۱۵ صبح بوسیله بمب اورانیمی با نام پسرک« Little boy» بمباران کرد و همچنین سه روز بعد ناکازاکی در ۹ اگوست سال ۱۹۴۵ در ساعت حدود ۱۱:۱۵ بوسیله بمب پلوتونیمی با نام مردچاق Fat Man» » بمباران شد، که طی آن بمباران ها صدها هزار نفر فورا جان باختند.

در این بمباران دهشتناک بین ۱۰۰ تا ۱۸۰ هزار نفر در هیروشیما و ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر در ناکازاکی بلافاصله از بین رفتند اما تخمین قربانیان تشعشات اتمی که حتی در نسل های بعدی نیز اثر داشت تقریبا غیرقابل تخمین بود .
طبق گزارش واحد تقیقاتی بمباران های اتمی آمریکا افرادی که در نزدیکی محل انفجار قرار داشته ولی دارای جراحت و سوختگی نبودند ظرف دو تا سه روز بیمار شده و در عرض یک هفته فوت میکردند . کالبدشکافی آنها نشان میداد شکا خون آنها کاملا تغییر کرده و تقریبا هیچ گلبول سفیدی وجود نداشت و ضخامت استخوان کاملا از بین رفته بود .
شمار زیادی از محققان پزشکی بر این باور بودند که ۱۰ تا ۱۵ درصد مرگ و میرهای این دو شهر در سالهای بعد ناشی از تشعشات اتمی بوده است .
ترومن چند روز بعد در مصاحبه ای، با اعلام خبر استفاده آمریکا از بمب اتم، در توجیه این اقدام آمریکا که با هدف نشان دادن ضرب شست به شوروی انجام شد، گفت: «ما با این کارمان مانع از کشته شدن جوانان آمریکایی به

دست ژاپنی ها شده ایم!» و این درحالیست که در گزارش دیگری نقل شده که ترومن سه روز قبل از بمباران اتمی هیروشیما، مطمئن بود که ژاپن بدون بمباران اتمی هم حاضر به صلح است!
با پایان جنگ جهانی دوم، امریکا در قالب طرح بازسازی اروپا یا «مارشال پلن» وارد اروپا شد و با در دست گرفتن سیستم اقتصادی و صنعتی کشورهای آسیب دیده، زمینه را برای مداخلات بیشتر در آینده مهیا کرد. به همین جهت، صنایع این کشور توانست صنایع مشابه کشورهای دیگر را حتی در بازارهای داخلی آنها تحت الشعاع قرار دهد. این برتری اقتصادی منجر به برتری سیاسی، فرهنگی، و نظامی امریکا نیز گردید.
سنگ بنای مداخله سیاسی امریکا در جهان نیز در این دوره بنا نهاده شد. با تأسیس سازمان ملل متحد بعد ازجنگ، امریکا با بدست آوردن حق وتو در این سازمان برتری و زمینه مداخله آشکار در امور جهانی را ایجاد نمود. تنها تهدیدکننده جدی منافع امریکا در این دوره، اتحاد جماهیر شوروری بود و از این زمان دوره معروف به جنگ سرد بین این دو قدرت در دنیا آغاز شد و جهان به دو قطب و بلوک شرق و غرب تقسیم شد. در این زمان امریکا با انعقاد پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) حضور نظامی خود را در امریکای شمالی و اروپای غربی تثبیت کرد و با مداخله در استقرار پلیس سازمان ملل در شبه جزیره کره، در این منطقه نیز حضور یافت که بحران های دوکره در سالهای بعد متأثر از آن بود.

جریان شناسی رسـانه های فارسی زبان (۱۰)
روزنامه اطـلاعـــات

اطلاعات

ادرس وب سایت	Ettelaat.com
سال تاسیس	۱۳۰۵
منابع مالی	دولتی – آگهی
مشی سیاسی	اصلاح طلب
وابستگی یا تمایل سیاسی	مجمع روحانیون – سید محمد خاتمی
عملکرد در فتنه ۸۸	تمایل به میرحسین موسوی
مدیر مسئول	سید محمود دعایی
سردبیر	علیرضا خانی
اتفاقات خاص	چاپ مقاله حسین علایی

سال ۱۳۰۵ ، اولین شماره روزنامه اطلاعات با عنوان «نامه اطلاعات» در یک برگ کاغذ و به قیمت چهارشاهی منتشر شد. مهمترین ویژگی روزنامه اطلاعات که سبب شد با روزنامه های معاصر خارجی خود نظیر «الاهرام» مصر و «جمهوریت» ترکیه برابری کند ، تهیه اخبار خارجی از آژانس های هاوس فرانسه ، رویترز ، برلن و مسکو بود.

روزنامه اطلاعات در عصر پهلوی

پس از درگذشت عباس مسعودی ، موسس روزنامه اطلاعات پسر وی تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران ، مدیریت آن را بر عهده گرفت. در این دوران ، اطلاعات از خط مشی واحدی پیروی نمی کرد ، اما در هر حال متاثر از فضای فرهنگی قبل از انقلاب و برآورده کننده توقعات رژیم پهلوی بود ، تا آنجا که با دخالت ساواک اقدام به درج یک مقاله توهین آمیز در مورد حضرت امام خمینی (ره) در ۱۷ دی ۱۳۵۶ با امضای رشیدی مطلق کرد و موجبات خشم عمومی در میان ملت ایران را فراهم آورد که منجر به قیام ۱۹ دی مردم قم و فراگیر شدن انقلاب در سرتاسر کشور شد.

اطلاعات بعد از انقلاب

با نزدیک شدن به روزهای پرشکوه پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ روزنامه اطلاعات با چاپ تیتر درشت «شاه رفت» با حرکت اسلامی مردم ایران همراه شد. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران و تا سال ۱۳۵۹ روزنامه اطلاعات زیر نظر یک شورای سرپرستی از طرف بنیاد مستضعفان قرار گرفت تا اینکه به فرمان امام خمینی (ره) «سید محمود دعایی» به سرپرستی آن منصوب شد. وی در شرایط آغاز به کار خود در روزنامه اطلاعات میگوید: « با حاج احمد آقا شرط کردم که چون سابقه کار مطبوعاتی در این حجم نداشتم ، یک تیم برای اداره روزنامه مهیا شود و در این تیم آقایان بهشتی ، هاشمی ، باهنر ، خامنه ای باید حضور داشته باشند تا همفکری لازم انجام شود.»
شهید بهشتی معتقد بود که روزنامه های اطلاعات و کیهان میراث فرهنگی انقلاب هستند و برای حفظ این دو موسسه با گسترش امکانات جنبی می توان به خودکفایی رسید. ستون های ثابت اطلاعات در دهه ۶۰ روزنامه را برای خوانندگان خود جذاب کرده بود. مهمترین ستون نقد آن دوره با عنوان « دو کلمه حرف حساب» به قلم مرحوم کیومرث صابری فومنی (معروف به گل آقا) بود که تا امروز در اذهان مردم باقی مانده است. پاورقی اطلاعات با مطالب تاریخی «چهل سال قبل در چنین روزی» نیز از جاذبه های آن در دهه ۶۰ و حتی بعد از آن بود. مجله «اطلاعات فرهنگی» ، «جوانان امروز» ، «ادبستان فرهنگ و هنر» ، « اطلاعات سیاسی اقتصادی» و مواردی دیگر ، هر یک بخشی از انتشارات موسسه اطلاعات محسوب می شوند.

دعایی کیست ؟

سید محمود دعایی یکی از رکورددارن نمایندگی مجلس شورای اسلامی است و شش دوره با رای مردم پایتخت بر کرسی نمایندگی مجلس نشسته است. دعایی در انتخابات میان دوره ای سال ۱۳۶۰ همراه با سیدرضا زواره ای ، عباس شیبانی ، صدیقی رجایی و حسین کمالی به مجلس اول راه یافت. نطق های دعایی در مجلس طی این ۲۴ سال به تعداد انگشتان دست هم نرسید و از وی تصویر نماینده ای کم حاشیه و پر تامل که در معدود مواردی وارد کارزارهای سیاسی و جنجالی مجلس می شود در اذهان ترسیم شده است.
داستان حذف دعایی و حجازی از فهرست انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز در آستانه انتخابات مجلس سوم ، عاملی می شود تا روحانیون چپ گرا و طرفدار دولت میرحسن موسوی راه انشعاب برگزیده و مجمع روحانیون مبارز را به وجود آورند. مجلس ششم دوره بازگشت چپ گرایان به صحنه بود که این بار دو سال
پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و پیروزی خاتمی ، با استفاده از نام اصلاح طلبی اکثر کرسی ها را ازآن خود کردند. در آن دوره دعایی در فهرست گروه های هجده گانه دوم خرداد قرار گرفت و از میان اعضای مجمع روحانیون ، وی همراه مهدی کروبی ، مجید انصاری و سیدعلی اکبر محتشمی پور بر کرسی نمایندگی مجلس نشست.
مدیر مسئول روزنامه اطلاعات نقش موثری در معرفی عطاا...مهاجرانی به عنوان وزیر ارشاد دولت خاتمی داشت و در جریان استیضاح وی تمام تلاش خود را برای عملی نشدن استیضاح انجام داد به شکلی که حتی گریه کرد تا این استیضاح رای نیاورد.
البته خود دعایی گفته است که :«زمانی هم در نجف در محضر حضرت امام گریه کردم که چرا سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را تایید نمی کنید .. این یک واقعیت است که من در مقطعی نسبت به سازمان مجاهدین اولیه که بنیان گذار آن مرحوم حنیف نژاد و دیگران بودند ، سمپات ، ارتباط و همکا ر ی داشتم و حتی در مقطعی عضو شدم. من نخستین کسی بودم که آن ها را با امام (ره) مرتبط کردم و از ایشان وقت گرفتم تا آن افراد خدمت امام (ره) برسند و مسائل و خط مشی های خود را در میان بگذارند و امام (ره) هم با بزرگواری چند روز به آن ها وقت دادند و در نهایت ایشان نظر خاص خود را بیان کردند. در آن زمان من با این سازمان مرتبط بودم و به دلیل نا آشنایی فلسفی و علمی نسبت به مواضع عمیق و بنیادهای ریشه ای آن ها ، طبیعتا احساسی عمل کردم و با تصور اینکه این ها مشمول حمایت و تایید بلندپایه هایی مثل مرحوم طالقانی ، مطهری ، منتظری ، هاشمی

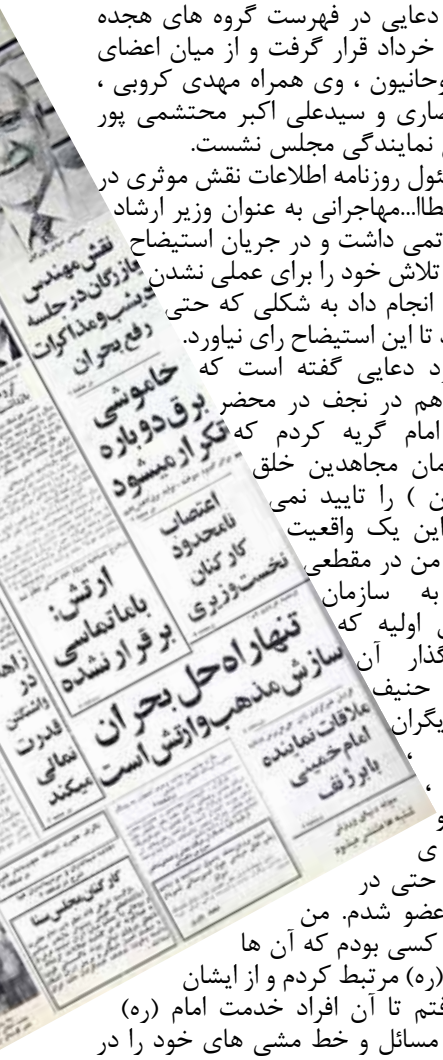

جریان شناسی رســانه های فارسی زبان (۱۰)

روزنامه اطــلاعـــات

و بزرگانی از این قبیل هستند فکر می کردم آن ها اصیل بوده و می توان به آن ها اعتنا کرد. ولی زمانی که متوجه شدم متنبه شده و رها کردم و حتی خاطرم هست که پس از انقلاب انجمن اسلامی صداوسیما از من به عنوان فردی که زمانی با سازمان مرتبط بود دعوت کرد و صحبت های من از رادیو پخش و در روزنامه ها منتشر شد ، به گونه ای که وقتی امام آن صحبت ها را از رادیو شنیدند به نوعی تفقد و ابراز رضایت مندی کردند.»

اطلاعات در فتنه ۸۸

درحالیکه در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری دهم ، موسوی و کروبی ، احمدی نژاد را به سوء استفاده از امکانات دولتی برای جلب آرای مردم متهم می کردند ، روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه ای دولتی در اختیار ستاد میرحسین موسوی قرار داشت. البته دعایی در سالگرد انتخابات در مصاحبه ای با همشهری این چنین بیان کرد که «من فقط به ایشان رای دادم و سالن کنفرانس روزنامه را هم به مبلغ ۳۶ میلیون به ستاد ایشان اجاره داده بودیم».

جلسه مهم دیشب در حضور امام
اطلاعات
بختیار: جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف میدهم
نهاوندی و مجیدی بازداشت شدند
گروهی از نمایندگان مخفی شدند!
شهرستانی بازداشت میشود
برداشت پس انداز و سپرده محدود شد
صفوف فشرده مردم بانتظار دیدار امام

رفاقت دعایی با خاتمی که سابقه ای طولانی مدت دارد به حدی است که دعایی هرسال مسئول برگزاری جسن تولد خاتمی می شود و این امر باعث شد که در دوران فتنه ۸۸ هم موضع گیری های اطلاعات در حمایت از خاتمی پررنگ تر باشند.

به عنوان مثال پس از وقوع اغتشاش های ۲۵ بهمن ۸۹ که به حصر کروبی و موسوی به عنوان دوتن از سران فتنه ۸۸ انجامید نوشته های جنجالی در اطلاعات در دفاع از خاتمی و نقد شعار مردم علیه فعالیت های فتنه گونه وی منتشر شد. خاتمی در این مطلب چنین معرفی شده بود : « آدم نجیب و دوست داشتنی که تا کنون تب را برای مخالفان و دشمنانش آرزو نکرده ... و پس از دوران ریاست نیز در موج تند و تیزی که برخاست هرگز اسیر جو و گرفتار التهاب و تندروی و افراطی گری و رادیکالیسم کور نشد و باز پا از دامنه ادب و انصاف آن سو نگذاشت و جز ملایمت و مدارا و عطوفت و خیرخواهی و نصیحت و دعوت به آرامش و گفت و گو و نهی از عصبیت و تعصب، سخنی نراند و فتاری نکرد و به رغم مساعد بودن شرایط برای تندوری و سخنان آتشین و اطلاعیه ها و پیام ها و.... آرام ماند و دعوت به آرامش و تقوی کرد.

او با همه فرق می کند ، هم با راست ها و هم با چپ ها. هم با اصولگرایان افراطی و هم با اصلاح طلبان تندرو. این را همه می دانند. آدمی است که حتی دشمنانش هم نمی توانند دوستش نداشته باشند. چهره آرام ، نورانی و مهربان با ته لهجه گرم یزدی و عبای شکلاتی.»

روزنامه اطلاعات در کل روزنامه ای کم حاشیه است که اخبار جنجالی منتشر نمی کند و هر از گاهی در برهه های زمانی خاص در کشور محور بحث در کشور قرار میگیرد.دلیل اصلی این امر مشی دعایی مدیر مسئول آن است. دعایی می گوید : « احتیاجی نیست همه حوادث را به اطلاع مردم رساند و وقتی حکم به مرحله نهایی رسید آن موقع حق مردم است که مطلع شوند ، همچنان که از دادگاه کرباسچی «به عمد» حتی یک کلمه در اطلاعات چاپ نشد تا زمانی که نتیجه معلوم شود». اما با تمام کم حاشیه بودن روزنامه اطلاعات ، اقدام تامل برانگیز این روزنامه در چاپ مقاله حسین علایی در سالگرد ۱۹ دی و دفاع از جریان فتنه و تخریب نظام ، موج انتقادات را نسبت به سوء مدیریت در اطلاعات به وجود آورد که غائله با عذرخواهی حسین علایی و بیان اینکه مطلبش اصلا چنین هدفی را دنبال نمی کرده است تمام شد. (این مقاله در سایت خبرآنلاین هم منتشر شد).

کیهان و اطلاعات برادران ناتنی

روایت حسین شریعتمداری از اطلاعات دعایی هم شنیدنی است : « یک دسته دیگر از روزنامه ها نه دولتی اند و نه حزبی. من کیهان و اطلاعات را اینگونه میدانم. دولت های سازندگی و اصلاحات بیشترین کمک ها را به روزنامه اطلاعات کردند ، البته شخص آقای دعایی انسان پاکدستی هستند و هرچه امتیاز گرفته اند صرف تجهیز موسسه اطلاعات کرده اند. ولی به هرحال کیهان بخاطر مواضع خود از همه این امتیازات محروم بوده است.» مدیر مسئول کیهان به مزاح اضافه می کند : «اما کیهان هم در عزا کشته می شود و هم در عروسی! وقتی یه مهاجرانی گفتیم: به همه وام می دهید به ما هم بدید! گفت : با این مواضعتان انتظار نداشته باشید برایتان یقه چاک کنیم.»

البته دیدگاه دعایی در مورد حسین شریعتمداری کمی تندتر است. بعد از انتخابات دهم اغلب دوستان دعایی از جمله مهاجرانی دولت احمدی نژاد را دولت کودتا و غیرمشروع معرفی کردند . وی به عنوان سخنران در همایشی که توسط تیم مشایی برگزار می شد شرکت کرد. دعایی زمانی که مجری همایش «نقش رسانه ها در تعامل با ایراانیان خارج از کشور» که توسط جریان انحرافی برگزار می شد نام او را همراه با ذکری از مدیرمسئول کیهان برد، چنین واکنش نشان داد :

« احتمالا دلیل اینکه مجری برنامه آقای شریعتمداری با من اسم می برند به خاطر این است که کیهان و اطلاعات را همه از قدیم دوقلوهای وابسته به نظام میدانستند. منتهی فراموش کردند که اکنون یکی منشا رحمانیت و صلح و صفاست و دیگری منشا جباریت»

منبع : خبرگزاری دانشجو
گردآورنده : mim.z

اولویت تغییر فرهنگ بر ارزش

إنّ اکرمکم عندالله اتقیکم
(قرآن کریم، حجرات، ۱۳)

همیشه مسیرهای زندگی، تفکر و داوری های ما نسبت به دیگران را ارزش‌ها تعیین می کنند و چیزی را که از نظر ارزشی برتر و ممتاز از سایر گزینه ها می دانیم انتخاب می کنیم چون ارزش‌های زندگی انسان به عنوان محوری ترین اعتقاد فرد، رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می دهد. ارزش‌ها از نظر اهمیت، یکسان نیستند و در مجموعه ای به نام «نظام ارزشی» جا گرفته اند. این نظام به عنوان معیاری برای قضاوت و انتخاب های زندگی، سبک زندگی و فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار می دهد.(۱)

اولویت‌هایی که فرد به ارزش‌ها می دهد نیز یکسان نیست. این اولویت ها معمولاً از خُلق و خو، شخصیت، تجربه های جامعه پذیری، تجربه های منحصر به‌فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن متأثر هستند. هر ارزشی می تواند عقاید پایه‌دار فرد نسبت به شیوه خاص و هدف نهایی از زندگی او باشد.

با این مقدمه این سوال ایجاد می شود که چه رابطه ای بین شخصیت و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا با کمک تغییر ارزش ها، می توان به اصلاح فرهنگ کمک کرد؟

تغییر فرهنگ جامعه

عوامل مهمی در تغییر ارزش‌ها مؤثرند که از جمله جهانی شدن، فردگرایی و نفوذ تفکر دوران مدرن است. بنابراین، پایه پای تغییرات در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی در هنجارها و ارزش های ذهنی نیز تغییرات رخ می دهد. تعلیم و تربیت و یک نگاه بنیادین دینی در پرورش شخصیت می تواند در حفظ ارزش‌های بنیادین در مقابل تغییر مؤثر باشد.

درباره تغییر و اثرگذاری در فرهنگ، سه متغیر (ارزش ـ شخصیت ـ تغییر) مورد بررسی قرار می گیرد تا مشخص شود برای تغییر فرهنگ، چه ارزش هایی با چه اهمیت و اولویتی برای شخص باید بازشناسی یا تغییر داده شود تا شخصیت شکل مناسب و اساسی خود را دارا شود. متاسفانه رابطه و تاثیر آن سه متغیر فرهنگ در حوزه روانشناختی و تربیت جامعه مورد توجه قرار نگرفته است هرچند در تعلیم و تربیتی اسلامی از آنها به عنوان نقش اصلی در تربیت، اسم برده شده است.

ارزش‌ها یکی از مهم ترین اجزای نظام فرهنگی در سطح خُرد و کلان هستند. به زبان ساده «شخصیت» الگو، نشانه و حاصل صفات و باورهای فرد است که میزان تشخیص یک فرد از افراد دیگر جامعه تعیین می کند،

یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک، بلکه در عرصه زندگی غیرمادی انسان، صفات و باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و... نیز به وقوع پیوسته است

ارزش‌ها نیز مانند هوش، قدرت، عزت نفس و دیگر نشانه ها، جزء مهم از شخصیت را تشکیل می دهند اما با این تفاوت که؛ صفات و باورها، توصیفی از الگوهای مشاهده شده در رفتار است مانند خود منفعت‌گرایی، متکبر بودن و ...، در حالی که ارزش‌ها ملاک‌هایی هستند تا درباره خوب یا مذموم بودن صفات و باورهایی که افراد دارند، به کار برده می شوند. صفات به نسبت فرد ثابت اند، در حالی که می توانند ارزش‌ها را در زندگی خود تغییر دهد و هر بار اولویت و اهمیت خاصی به ارزشی خاص می دهد که شخصیت او را در آن دوران از زندگی می سازد.

ارزش های قابل توجه

با شناخت و شناساندن ارزش‌ها در سطح خُرد و کلان می توان تاثیر مضاعفی بر فرهنگ اجتماعی سیاسی فرد و جامعه گذاشت. ارزش‌ها از این جهت که در اقلیم‌ها، گویه‌ها و تعاریف دارای اهمیت و اولویت‌های نزدیک به هم هستند، بر طبق مذهب و رسوم نهادینه می شوند. برای ارزش‌ها در هر فرهنگ و هویت ملی تقسیم بندی مشخص و کلی وجود دارد که خُرده ارزش‌ها یا صفات، زیر مجموعه آنها قرار می گیرند. مانند: پیشرفت ـ خیرخواهی و حسن نیت ـ همنوایی و احترام به هنجارهای اجتماعی ـ اقتدار و قدرت اجتماعی ـ ایمنی، سازگاری و ثبات اجتماعی ـ خوداتکایی وتفکر مستقل ـ برانگیختگی، تحرک، تازگی و چالش در زندگی ـ تعهد و پذیرش آداب و رسوم و ایده‌هایی که فرهنگ و مذهب مهیا می سازد ـ معاد و رستگارباوری و واکنش‌های صحیح در

اجتماع (امر و نهی های شرعی) و ... . ارزش‌هایی که در بالا به عنوان نمونه نوشته شده، جزء لایه های درونی شخصیت انسان هاست و شناخت دقیق هر فرد در گرو شناخت این ارزش‌ها و گرایش های ارزشی و هویتی اوست. لذا وقتی بتوانیم شخص را از نظر ارزش‌ها احیاء کنیم، فرهنگ شخص از نظر درونی و پایه ای تغییر می کند و همانطور که گفته شد؛ بین ارزش‌ها و کنش ـ واکنش اجتماعی افراد، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

سخن پایانی

برخی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها در سطح کلان، شامل جهانی شدن و نظام‌های سیاسی و مدرنیزاسیون است. بررسی تحولات فرهنگی اجتماعی نشان می دهد که تغییرات عمیق در باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی مردم به وقوع پیوسته است. برای اینکه مهارت هایی متناسب با هویت فرهنگی و دینی در بین مردم شکل بگیرد، آنان باید با تمام میراث فرهنگی و هویت دینی ـ انسانی خود آشنا باشند تا در امواج تغییرات دچار انحراف در فرهنگ، مذهب و سبک زندگی نشوند.

یک فرد در طول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک، بلکه در عرصه زندگی غیرمادی انسان، صفات و باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و... نیز به وقوع پیوسته است. هرچند ارزش‌ها در برابر تغییر مقاوم ترند اما گسست و انحراف در فرهنگ اجتماعی و سبک زندگی نتیجه تغییرات اساسی در باور و ارزش‌ها است.

تغییر ارزش‌ها، در سطح خُرد، در پاسخ به فشارهای زندگی خصوصی و اجتماعیست و تغییر ارزش‌ها در شخصیت را نتیجه ناسازگاری در نظام شخصیت فرد می دانیم. در سطح خرد، اولویت های ارزشی هر فرد بازتابی از شرایط وجودی اشخاص در زندگی اوست لذا با شناخت ارزش ها در سطح خُرد می توان اولویت های ارزشی که شخصیت فرد را تشکیل می دهد بازسازی و باز شناسی کرد تا با بهبود وضعیت فرهنگی فرد، وضعیت فرهنگی جامعه و سطح کلان را به سامان و راه مناسب هدایت کرد.

---

(۱) شناخت و بررسی ارزش‌ها را از حیث ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق بودن، عینی یا ذهنی بودن، فطری یا اکتسابی بودن، تاریخی یا غیرتاریخی بودن، منبع و مصادیق آن و مباحث دیگر «ارزش شناسی» می گویند که یکی از شاخه های فلسفه است.

نویسنده : matimemami

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین

گزارش تصویری اربعین

ارسالی نوسط : mehdi

هویت ملی و مؤلفه‌های آن

وقتی سخن از ما پیش می‌آید بحث هویت مطرح میگردد. مرز ما از «دیگران» توسط خطوط ترسیم شده توسط هویت «ما» روشن می‌گردد. بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که از اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی برخوردار است. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تاثیر پذیرفته است.

ثانیاً هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه یک ملت از هویت محکمتر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های همبستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود.

در سند مولفه های هویت ملی ایرانیان آمده است : هویت تلقی از خود یا خود آگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر دیگری است و دیگران ترسیم می شود. در این سند برای تدوین اجمالی کلان ترین مولفه های هویت ملی در ایران امروز، ویژگی های محتوایی و صوری هویت، هر دو توجه قرار گرفته است. هویت ترکیبی از جسم و روح تاریخی ماست که هر یک بدون دیگری امکان تعین نمی یابد.)سند مولفه های هویت ملی)

برخی از اندیشمندان سنتی در علوم سیاسی، اجتماعی و جغرافیا، عنصر ویژه‌ای از عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را اصل دانسته‌اند. در جغرافیا، «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک» اصل تلقی می‌گردد؛ و در علوم اجتماعی، «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و در علوم سیاسی بر«ساختار سیاسی مشترک» و «ملت و ملیت» تکیه و تأکید می‌گردد.

در حالی که «هویت ملی» پدیده‌ای است مرکب از همه این عناصر و عناصر دیگر، همانند زبان، هنر، آداب و رسوم. به تعبیر دیگر، کسانی که با هم در سرزمین واحد زندگی کرده‌اند، با هم احساس خوشبختی و شادمانی داشته‌اند، و باهم رنج برده‌اند و دارای تجارب یکسان و اهداف و آرمانهای مشترک‌اند، در واقع این همان چیزی است که می‌توان از آن تحت عنوان «شخصیت» یا «هویت ملی» یاد کرد.

از این‌رو، در برخی مطالعات، از چهار دسته ارزشهای ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی به عنوان عناصر تشکیل دهنده هویت ملی، سخن به میان آمده است. ارزشهای ملی، تمامی مشترکات فرهنگی، اعم از سرزمین، زبان، نهادهای سیاسی، سنت‌ها و ادبیات ملی را شامل می‌گردد. مراد از ارزشهای دینی، تمامی مشترکات فرهنگ دینی است، و منظور از ارزشهای جامعه‌ای، اصول و قواعد اجتماعی که رعایت آن جهت تحکیم مناسبات اجتماعی ضروری است، و ارزشهای انسانی نیز عبارت از کلیه اصول و قواعد انسانی است که فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی، جهت بقای بشریت باید رعایت گردد.

برخی از صاحب نظران، بر عنصر «اراده با هم زیستن در طول تاریخ» تکیه کرده‌اند؛ یعنی آنچه مردم را در طول تاریخ در رنج و شادی و جنگ و صلح با هم شریک کرده و

در کنار هم قرارداده‌اند و از طریق یک سرنوشت مشترک تاریخی به آنان هویت خاصی بخشیده است، اراده باهم زیستن آنان بوده است. به هرحال، تجزیه و تحلیل هویت ملی با پیچیدگی و ابهام مواجه است و این ابهام و پیچیدگی هم ناشی از مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل دهنده هویت ملی است. سرزمین، نژاد، زبان، مذهب، سنت‌ها، تمدن، خاطرات تاریخی، اشتراک منافع، مقتضیات جغرافیایی، آمالها و آرزوهای مشترک، هر یک عواملی هستند که نمی‌توان نسبت به آنها بی‌اعتنا بود و از این‌رو، هر کشوری به اقتضای شرایط سیاسی، جغرافیایی و بافت اجتماعی خویش، بر عنصر یا عناصری از آن، تکیه و تأکید داشته است. در عین حال هیچ یک از آنها به تنهایی، نمی‌تواند، تفسیر نهایی و عنصراصلی هویت ملی باشد. اما می‌توان برخی از این عناصر را به عنوان مؤلفه‌های مهم‌تر هویت ملی، در اولویت قرار داد. نظیر دین مشترک، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک و فرهنگ یا میراث فرهنگی مشترک . (معصومی، محمدهادی ،هویت ملی یا هویت قومی)

در جغرافیا، «سرزمین مشترک» و «تاریخ مشترک» اصل تلقی می‌گردد؛ و در علوم اجتماعی، «زبان مشترک» و «دین مشترک»؛ و در علوم سیاسی بر «ساختار سیاسی مشترک» و «ملت و ملیت» تکیه و تأکید می‌گردد. در حالی که «هویت ملی» پدیده‌ای است مرکب از همه این عناصر و عناصر دیگر، همانند زبان، هنر، آداب و رسوم.

هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت های دیگر، دارای مؤلفه های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه هایی چون: زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه ای ترین مؤلفه ی هویت ایرانی یاد می کنند؛ زبانی که علی رغم آمیختگی هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه ی بنیادی هویت ملی به حساب می آورند. طبق نظریه ای دیگر، وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم ترین مؤلفه ی هویت ملی ایران است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۵)

برخی از صاحب نظران، بر عنصر «اراده با هم زیستن در طول تاریخ» تکیه کرده‌اند؛ یعنی آنچه مردم را در طول تاریخ در رنج و شادی و جنگ و صلح با هم شریک کرده و در کنار هم قرارداده

استاد مطهری، در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، ابعاد گوناگون هویت ایرانی را مورد بحث قرار می دهد؛ و این نشان دهنده ی نگرانی عمده ی وی از این موضوع است. او، برخلاف نظر آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب- در کتاب «دو قرن سکوت» قایل به سکوت ایرانیان در دو قرن اول هجرت نیست؛ بلکه واکنش ایرانیان را در برابر اسلام، فوق العاده نجیبانه و سپاسگزارانه می داند و آن را نشانه ی یک نوع توافق طبیعی میان روح اسلامی و کالبد ایرانی معرفی می کند.به گفته ی مطهری: «اسلام برای ایران و ایرانی، در حکم غذای مطبوعی بوده که به حلق گرسنه ای فرو رود، یا آب گوارایی که به کام تشنه ای ریخته شود. طبیعت ایرانی به خصوص با شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی ایران قبل از اسلام، این خوراک مطبوع را به خود جذب کرده و از آن نیرو و حیات گرفته است و نیرو و حیات خود را صرف خدمت به آن کرده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج: ۶۶۹.) از نظر ایشان مهم ترین عامل هویت یابی ایرانیان، گرایش آنان به دین اسلام می باشد، چرا که اسلام بواسطه ی خصوصیات معنوی خود، توانست به ایرانیان هویت جدیدی اعطا کند و به ایرانی بودن نیز معنای جدیدی بدهد.هویت، ترکیبی از جسم و روح تاریخی است که هریک بدون دیگری امکات تعین نمی یابد. از نظر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی « هویت ملی هم که می گوییم ، ملیت در مقابل دین نیست؛ بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگها و باورها . خواسته ها و آرزوها و رفتارهای اوست.یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مومن و یک ملت معتقد به پاکان درگاه الهی و اهل بیت پیغمبر (ص) است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است ، هویت ملی که می گوییم ، شامل همه اینهاست؛ اینها را حفظ کنیم.»

تنظیم : parasto

فریب‌های داشتنی

نقش رسانه های ارتباط جمعی در گسترش مصرف گرایی چیزی کمتر از نقش صنعتی شدن و تولید کالاهای انبوه در جوامع نبوده و تولید انبوه و رسانه ها، دو بال گسترش مصرف گرایی بوده‌اند. امروزه، رسانه ها به ابزار نظام اقتصادی سرمایه داری برای یافتن مشتریانی پروپا قرص برای کالاها تبدیل شده اند. تبلیغات متعدد و متنوع که به دنبال اقناع افراد برای خرید کالاها یا خدمات خاص و تغییر نگرش آن ها و انتخاب سبک زندگی خاص برای انسان هاست.کالاهایی که افراد نیازی واقعی به آن نداشتند و صرفاً براساس ایجاد نیاز کاذبی که رسانه ها باعث آن بوده اند.ایجاد نیاز های جدید و کاذب به کالاها از کارکرد های رسانه های جمعی است که سبب دامن زدن به مصرف گرایی در عصر حاضر شده است. به همین دلیل، آگهی ها و تبلیغات بازرگانی امروزه، به تمام جنبه های زندگی انسان معاصر وارد شده است.

ترغیب مردم به سرمایه گذاری و خرید یا مصرف کالا یا نمادی خاص، به منظور افزایش فروش کالا یا خدمات، هدف سفارش دهنده آگهی بازرگانی است و رسانه های عمومی، همچون صداوسیما، مطبوعات، فضاهای شهری، اینترنت و... مهم‌ترین ابزارها برای رسیدن به این هدف به شمار می‌آیند.
پیام‌های بازرگانی به وسیله ای برای ایجاد احساس نیاز در مخاطب تبدیل شده و از این طریق به افزایش مصرف گرایی که تأمین کننده منافع سرمایه داری است، دامن می‌زنند. ولفولک کراس می‌نویسد:»وظیفه تبلیغات تلویزیونی تبلیغ کیفیت های خاصی است که یک محصول، فاقد آن‌هاست و اگر واقعاً هیچ نیازی به یک محصول وجود نداشته باشد، تبلیغات چی باید آن را ایجاد کند. او باید به شما ثابت کند که اگر این کالا را نخرید، سلامتی و شادی شما به خطر خواهد افتاد.»

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یک سازمان دولتی به شمار می‌آید و راه‌اندازی شبکه های خصوصی ممنوع می‌باشد. یکی از دلایل آن پرهیز از روالی است که در غرب و نظام های سرمایه داری اتفاق افتاده است. در نظام سرمایه داری هر کس ثروت داشته باشد، قدرت و امکان عرض اندام و داشتن تریبون را هم خواهد داشت. بنابراین، در این نظام ها، ثروتمندان می‌توانند افکار عمومی را از طریق رسانه های خود هدایت کنند.

اما آنچه در حال حاضر در حال اجراست، همان تفکر سرمایه داری و نابرابری در رسانه است.بر اساس این روال، صاحبان ثروت، به دلیل داشتن پول به قدرت رسانه ای نیز دستیابی پیدا می کنند و حتی می‌توانند برنامه مختص خود را تعریف نمایند. برنامه‌هایی چون قرعه‌کشی چای محسن، همراه اول، برنج آوازه و چند برند دیگر گواه این مدعا هستند .

در نظام سرمایه داری هر کس ثروت داشته باشد، قدرت و امکان عرض اندام و داشتن تریبون را هم خواهد داشت. بنابراین، در این نظام ها، ثروتمندان می‌توانند افکار عمومی را از طریق رسانه های خود هدایت کنند.

نکته ی مخرب دیگر، تأثیری است که چنین برنامه هایی بر سبک زندگی ما می‌گذارند.برنامه هایی که جوایز چند ده و یا چند صد میلیونی را به برندگان هدیه می کنند،معمولاً مجریان این برنامه ها توجه زیادی به مبلغ جایزه می کنند یا از شرکت کنندگان سؤال می کنند که اگر برنده شوید چگونه این پول را استفاده می‌کنید. طبیعتاً هر بیننده‌ای با شنیدن این سؤال، برای لحظه ای آرزوی برنده شدن این جایزه را خواهد داشت و به نحوه مصرف آن فکر می کند. تأثیر چنین رویکردی، تبدیل پول و سرمایه داری به یک ارزش است. حتی اگر فرد برنده این پول را صرف سفر زیارتی یا امور خیریه نماید، باز هم نه تنهای آرزوی پول در مردم ایجاد خواهد شد؛ بلکه این تصور غلط در بین مردم رواج پیدا خواهد کرد که کار خیر و صدقه و امثال این‌ها همگی منوط به داشتن ثروت هنگفت است!

نکته دیگر، ترویج مصرف گرایی است. یکی از ویژگی های نظام سرمایه داری، تبدیل کردن مردم به مصرف کنندگان بی‌چون و چرا و چشم و گوش بسته محصولات و خدمات سرمایه داران است تا منافع این قشر تضمین شود. بدین ترتیب، مردم جامعه با تبلیغات و جاذبه های مختلف به خرید محصولات تشویق می‌شوند و برای این کار، احساس نیاز کاذب در آن‌ها ایجاد می‌شودمسئله دیگر، تغییر در نظام ارزش گذاری جامعه است.

تبلیغ دستگاه تناسب اندام تن تاک که تناسب‌اندام و کوچک کردن شکم را تا حد ارزش درجهٔ یک انسانی و دغدغه ای فراگیر بالا می‌برد.چرا که این دیدگاه بدن را همچون تابلویی می‌بینند که می‌توان با آن، هویت و موقعیت اجتماعی افراد را دید. مطابق با این نگاه، امروز بدن ما دیگر متعلق به خود ما نیست؛ بلکه ما در تلاشیم تا بدن‌هایمان را مطابق با معیارهایی که هرگز خودمان آن ها را انتخاب نکرده‌ایم، برای دیگران و برای جهان اجتماعی آماده کنیم. انگار بدن‌های ما به ماشین‌هایی تبدیل

شده‌اند که ما هرروز آن ها را اندازه‌گیری و ارزیابی می‌کنیم و تا به‌حد استانداردی که برای ما تعریف شده است، نرسیم؛ آرام نخواهیم شد.

این استانداردها که همگی از فرهنگ غرب به ما تحمیل شده است، مانند خط تولید یک کارخانه، انسان‌های ازخودبیگانه ای با شباهت های بسیار زیاد ایجاد و به جامعه ارائه می‌کند. همچنین می‌توان به تبلیغ های گستردهٔ تولیدکنندگان موادغذایی و تعیین انواع جایزه های عجیب و وسوسه انگیز برای مصرف بیشتر آن ها، مانند تبلیغات تبرک و چای محسن اشاره کرد. این تبلیغات به‌جای بالابردن کیفیت محصولات و معرفی صحیح آن‌ها به مصرف‌کنندگان به‌دنبال این هستند تا ازطریق وسوسه کردن آن‌ها برای به‌دست آوردن بی زحمت مقدار زیادی پول، مصرف‌گرایی را در جامعه ترویج و منافع تجاری خودشان را تأمین کنند. این درحالی است که در اصل ۲۵ قانون تبلیغات تلویزیونی به صراحت آمده است:«تعیین جایزه برای تشویق مخاطبان آگهی به خرید و مصرف بی‌رویه مجاز نیست.» همچنین در اصل ۲۴ این قانون بیان شده است که «آگهی نباید به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که در آن، مردم به مصرف بیش از نیاز و اسراف در استفاده از امکانات تشویق شوند» و این نشان از ضعف شدید نهادهای نظارتی صداوسیما دارد.

از سال ۱۹۳۳، در دورهٔ ریاست جمهوری روزولت متفکران امریکایی به این نتیجه رسیدند که «انسان حیوان قابل اعتمادی است و در کنترل ذهن باید دیدگاه‌های خود او نیز لحاظ شود.»در این دوره، راه برای جرج گالوپ هموار شد تا مؤسسهٔ سنجش افکار عمومی را تأسیس کند. درواقع، مؤسسهٔ سنجش افکار عمومی با مراجعه به خود مردم و دریافت دیدگاه آن ها، راه های مهار ذهن و جهت دادن به امیال و تمناهای آن‌ها را مهندسی می کرد.از سال ۱۹۶۶، با ظهور چهره ای جدید به نام ویلهلم ریچ درزمینهٔ روانشناسی، دورهٔ فرویدیسم خاتمه یافت. ریچ برخلاف فروید معتقد به «رهاسازی» به‌جای کنترل بود.«لسه فر» Laissez Faire یا «بگذار هرچه می‌خواهد بکند»، دکترین رایج فرهنگی اجتماعی شد. این نظریه قائل به این شد که «انسان، حیوان خودشکوفا» است. انسان، به‌عنوان حیوان خودشکوفا، به‌جای تغییر جامعه، به تفسیر خود پرداخت. این انسان، خود را رها کرد؛ هرگونه دوست می‌داشت پوشید، نوشید، خورد، زیست و مُرد. در این دوره بود که مفهوم سبک زندگی معنای کامل تری یافت. سیاست مداران با ترویج سبک زندگی امریکایی زیر پرچم اومانیسم راه و رسم زندگی را به وسیلهٔ ابزارهای فرهنگی به مردم دیکته کردند.

ره آورد همهٔ این تفکرات، تبلیغاتی است که امروز نه فقط به‌صِرف رقابت در بازار کالاها و خدمات ؛ بلکه به‌منظور ذائقه سازی و تغییر اولویت ها و شیوه های زندگی ما خواسته و ناخواسته به ما تحمیل می شود. شیوه ای از زندگی که اکنون در معرض ابتلا به آن قرار داریم، شیوه‌ای از بالیدن به ظواهر پوچ و نادیده گرفتن نیازهای روحی و جسمی ماست. شاید لازم باشد قبل از اینکه از مردمی آزاد مانند بعضی ملت ها به هالو تبدیل شویم؛ از این پس، به کودکانمان بیاموزیم که «همراه کارت اعتباری در گوشهٔ جیب مان، چارچوب نیازهای اساسی را در گوشهٔ ذهن مان با خود به بازار ببریم.»

منابع:

/matnezendegi.ir
/reba.ir
/www.islamiclife.ir
/dr-abbasi.ir
/ystc.ir

نویسنده : zarfiat92

وصیت نامه شهید محمود دایه علی

بسم الله الرحمن الرحیم

«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیا عند ربهم یرزقون.»

گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی می خورند.

من محمود دایه علی وصیتنامه ی خود را با نام خدا و در راه تداوم انقلاب اسلامی به رهبری زعیم عالیقدر، امام امت، خمینی روح خدا شروع می کنم. ای مردم مسلمان و مستضعف ایران این انقلاب را به رهبری امام امت ادامه دهید. ما ملت ایران خیلی خون داده ایم که این انقلاب را به پیروزی برسد.
نکند که از رهنمودهای اما سرپیچی کنید و اما را تنها بگذارید. او نایب امام زمان (عج) است. نگذارید خون این شهیدان پایمال شود. ما هرچه خون بدهیم، انقلاب مان پایدارتر می شود،

این آمریکایی های خائن با کمک منافقین دارند شاخ و برگ نهال انقلاب را می ریزند. ما نباید بگذاریم که این ابرقدرت ها و واسطه های داخلی آنها به این انقلاب زیان برسانند.

اگر چه همه را بکشند ما باید تا آخرین قطره ی خون مان را به پای این نهال انقلاب بریزیم و آن را آبیاری کرده و رشدش بدهیم. در زمان امام حسین (ع) اما را تنها گذاشتند. حالا که امام خمینی راه او را می رود ما نباید او را تنها بگذاریم. از خانواده ام می خواهم که خط امام را ادامه دهند و از مادرم می خواهم برادرهایم را در بسیج شرکت دهد تا اگر روزی به شهادت رسیدم بتوانند ادامه دهنده ی راه من باشند.
از برادرهایم می خواهم که بعد از من اسلحه را به دوش بگیرند و خون خودشان را به پای درخت اسلام بریزند تا درخت اسلام بارورتر شود.
هرکس امام را قبول نداشته باشد و سر قبر من بیاید به خون تمام شهیدان خیانت کرده است.
پدر و مادرم! اما امروز در زمان امتحان هستیم، چون در جبهه حسینی و یزیدی وجود دارد و من راه حسین را انتخاب کرده ام. شما هم از فرصت استفاده کنید و به جبهه ی حسین بپیوندید. در هر کربلایی امام حسینی وجود دارد و حسین امروز خمینی است. در وجود امام عزیز دقت کنید و با شناخت کامل راه او را ادامه دهید.
مادرم می دانم که در انتظار آمدن من هستید و هم اکنون دعا می کنید، اما حرف من به برادرانم این است که یکی یکی به جبهه های حق علیه باطل فرستاده شوند. من برای آنها طلب پیروزی بعد از شهادت می کنم.
دوستان، در پیروزی ما در این جنگ هیچ شکی نداشته باشید. این سخنان را به عنوان یک شهید می گویم که اگر وحدت خودمان را از دست بدهیم و امام را تنها بگذاریم به خون تمام شهیدان خیانت کرده ایم و خدا شما را نمی بخشد. فقط در خط امام حرکت کنید و بدانید بهترین تسلیت برای من انتقام گرفتن خون تمام شهیدان است...

خاکیان افلاکی

بسم الله ...
امتحان خدا بود... عزت و سختی ، یا آرامش و ننگ ؟
مثل همیشه وفای عهد
انقلاب شروع شد!
تظاهرات...شهید ، عکس امام(ره)...شهید ، اعلامیه...شهید
آخر زمانی که عزت انتخاب یک ملت باشد،جان بی ارزش و جان دادن ارزش میشود.
از پیر و جوان فهمیده بودند این راه همان راه حسین(ع) است ...
فهمیده بودند که اگر آرام باشند سینه زدن بی معنی است...
انقلاب شروع شد!
خروش یک ملت و خروش بی اختیار فرعونیان از حیرت!
امتحان شروع شد...
در یک چشم به هم زدنی بود...
اول انقلاب
به یک نفس کشیدن ، دوباره...امتحان...؛ امتحان پشت امتحان
؛ن اگهان
کربلا...شهید...خون...چفیه...پلاک...باروت...
هرچه تعداد شهدا بیشتر می شد شمیم کربلا بیشتر بر مشام می رسید ...
خون های بابرکتی که به فرمان امامشان به جوش آمده بودند، و به برکت خون همین شهیدان بود راهی که در طول تاریخ نمی توانست طی شود ؛ پیموده شد.(۱) و چه زیبا در این آزمایش تاریخی و اجتماعی سربلند بیرون آمدند.(۲)
با آغوش باز مصائب و سختی ها را پذیرفتند(۳)، جان دادند تا مبادا قلب امامشان آزرده شود...
گذشتند از جوانی خود برای تبسم زیبای روح الله...
به یکدیگر یادآوری میکردند که ...
«همین جا کربلاست»
و
«کل یوم عاشورا»
که : جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام نشدنی است.
با ایثارشان «کل ارض کربلا» را روح تازه بخشیدند و چه زیبا گفت سید شهیدان اهل قلم که :
«چه جنگ باشد چه نباشد،راه من و تو از کربلا میگذرد»
همان کربلایی که خون،بر شمشیر پیروز شد
و
سربازان روح الله؛ همان هایی که امامشان فرمود: به شما غبطه میخورم؛ مردانه در این میدان ماندند
و
ثابت کردند که؛
پیروزی وعده ی خداوند سبحان است (۴) و ابهت دو ابرقدرت غرب و شرق را شکستند.(۵)
«وعد الله لا یخلف الله وعده ولکن اکثر الناس لا یعلمون»
«وعده ی خداست،خدا وعده اش را خلاف نمی کند، ولیکن بیشتر مردم نمی دانند»(۶)

و خوشا به حال آنان که این گوهرها را در دامان خود پروراندند..(۷)
خوشا آن مادرانی که تنهایی و فراق و اشک را ترجیح دادند تا اسلام بقا پیدا کند...
زینب وار رنج را به جان خریدند...
و
اما ...
ما ...
تا آخر ایستاده ایم
فقط ...
جای شهدا خالی ...

پ ن :
۱-شهید آوینی : به برکت خون شهدا،راهی را پیمودیم که در طول تاریخ هم نمی توان طی کرد و به راستی ما این را مدیون خون شهیدان هستیم.
۲- شهید جهان آرا: انقلاب بیش از هر چیز برای ما یکی ابتلای الهی و یک آزمایش تاریخی و اجتماعی است و در جریان این ابتلا باید رنج،محرومیت،مصائب و ناملایمات را با آغوش باز بپذیریم.
۳- شهید جهان آرا: انقلاب بیش از هر چیز برای ما یکی ابتلای الهی و یک آزمایش تاریخی و اجتماعی است و در جریان این ابتلا باید رنج،محرومیت،مصائب و ناملایمات را با آغوش باز بپذیریم.
۴- نهج البلاغه: و بدان که پیروزی وعده ی خداوند سبحان است.
۵- حضرت امام (ره): ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت غرب و شرق را شکستیم.
۶- سوره ی روم آیه۶
۷- حضرت امام (ره): خوشا به حال آنان که این گوهرها را در دامان خود پروراندند

نویسنده : zaerezohoor

زندانی انفرادی تاریک، سال که روی حکم حبس ابدش بیاید
نه فقط خانه و لبخند را،
که نور را هم فراموش میکند
پس از من نخواه از رهایی بگویم!
از او بخواه،
رهایی ، آنچنان که ... فیها خالدون

نویسنده : msabpeykar

کلیپ های تصویری

www.afsaran.ir/ganjine/3

مستند جمعیت مسلمان
www.afsaran.ir/link/696950

آخرین قدم
www.afsaran.ir/link/680699

هیئت همراهان
www.afsaran.ir/link/770676

بی دفاع
www.afsaran.ir/link/771880

این توافق خوب است
www.afsaran.ir/link/757697

باید احمق باشیم که
www.afsaran.ir/link/763739

ملت عاشق مبارزه با صهیونیست هاست
www.afsaran.ir/link/773249

کـــلیپ های صوتـــی

از گوگوش تا سروش در فتنه ۸۸

http://www.afsaran.ir/link/777145

ما همه عاشق مبارزه با صهیونیست هستیم

http://www.afsaran.ir/link/767918

ایرانی آخرالزمانی

http://www.afsaran.ir/link/686969

این راه، راه کربلاست

http://www.afsaran.ir/link/678392

اسمت رو برای کربلا بنویس

http://www.afsaran.ir/link/771896

کدوم دیکتاتوری؟!

http://www.afsaran.ir/link/761887

اربعین تو وعده گاه ما .....

http://www.afsaran.ir/link/773586

جهاد علمی

http://www.afsaran.ir/link/760439

راز اشک ...

http://www.afsaran.ir/link/751191

۹ دی پاسخ دندان شکن به گناه نابخشودنی

انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بی شک متفاوت ترین انتخابات برگزار شده در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است ،جمهوری اسلامی که بر مبنای قانون اساسی در ۳۱ سال ،۳۰ انتخابات مختلف برگزار کرده بود برای اولین بار با توطئه ای خطر ناک در زمینه انتخابات روبه رو شده بود و آن هم عدم تمکین نامزد های انتخابات ریاست جمهوری از قانون بود .

با کنکاش پیرامون انتخابات سال ۸۸ می توان در یافت که برنامه ریزی شده ترین انتخابات در جمهوری اسلامی بوده است ، سلسله مراحل پیچیده و کلید واژه های دقیق اتخاذ شده در این توطئه به صورت کامل توسط بازیگران اصلی آن انجام گرفت و با به میان امدن توان رسانه ای دشمنان انقلاب این توطئه با تمام قدرت برای بر اندازی نظام جمهوری اسلامی با کلید واژه تقلب بزرگ به میدان امد .

با فریب خوردن عده ای از مردم و تجمع منافقین وسلطنت طلب ها در اردوگاه أصحاب فتنه ، اردوکشی خیابانی این توطئه کامل شد ،ومجموعه اتفاقاتی از ۲۳ خرداد تا ۲۸ خرداد به وقوع پیوست . خطبه نمازجمعه ۲۹ خرداد مقام معظم رهبری آب سردی بود بر آتش گر گرفته برخی فریب خورد گان ، اما منافقان وسلطنت طلب ها همچنان دربدنه این توطئه ماندند .

وقایعی مانند قتل ندا آقا سلطان وپروژه شهید سازی وتظاهرات عده ای درروز قدس وشعارهای معروفش ، عده ای را به فکر فرو برد که آیا دعوا واقعاً بر سر نتیجه انتخابات است ؟؟؟

روزها از پی هم می گذشتند وماه محرم سال ۸۸ فرا رسید . مردم مثل همیشه در ماه محرم مشغول عزاداری سید وسالار شهیدان بودند که ناگهان خبری سراسر کشور را به بهت فرو برد . خبر این بود : عده ای از نامردمان روزگار ایران در روز عاشورا درکف خیابان های تهران به شادی وهلهله پرداخته وبه هیئت های عزاداری امام حسین (ع) حمله کرده وبیرق های عزاداری را به آتش کشیدند . برای مردم ایران این واقعه غیر قابل باور بود . قلب ها اندوهگین ، چشم ها اشک بار ،و دست ها لرزان بود کسی از مردم باور نمی کرد که در جمهوری اسلامی چنین اتفاقی افتاده باشد ؟ بیانیه ی سران فتنه در دفاع از این اقدام برای مردم اصلا قابل تحمل نبود ، خدا جو خواندن این ملحدین از طرف شخص میر حسین موسوی پرده ی نفاق این افراد را از سر آنان کشید ، بی شک برای هیچ یک از مردم ایران قابل باور نبود که دعوای انتخابات ربطی به عزای امام حسین (ع) ، ندارد .

برای مردم و اصحاب انقلاب این گناه نابخشودنی ، به جواب دندان شکن نیاز داشت تا برای همیشه این داستان به تاریخ بپیوندد .

بنا بر اعلام رسمی یک راهپیمایی سراسری در روز ۹ دی برای اعلام برائت از فتنه و فتنگران بر گزار می شود، بدون تعطیل کردن کشور . بنا به امار رسمی در روز ۹ دی هشتاد و هشت قریب ۲۰ میلیون نفر در سرتاسر کشور به خیابان ها امده و از امام شهید خویش دفاع کردند و به طور رسمی از فتنه و اصحاب فتنه اعلام برائت کرده و مهر پایانی بر جولان ۸ ماهه این جند الشیطان زدند .

برای اولین بار در کشوری یک انقلاب مخملی شکست خورده بود ، به فرموده مقام معظم رهبری واقعا چه کسی جزید توانمند خداوند توانایی شکست مکر مکرکنندگان را دارد ، خودش فرمود (مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین) .

بررسی علل حضور مردم و واقعه ۹ دی نیاز به بررسی جامعه شناسی دارد اما آن چیز که مشخص است امداد غیبی از سنت های ۶ گانه خداوند است که یاری کننده صالحین و مومنان است و جامعه مذهبی ایران است که بی حرمتی به نماد های مذهبی خود را در هر گروهی نخواهد پذیرفت و به همین دلیل بسیاری از فریب خوردگان روز های نخست در حماسه ۹ دی شرکت کردند و این مثل یادمان نمی رود که (هر که با آل علی در افتاد ،ور افتاد)

نویسنده : hamase

بیا از مُردن حرف بزنیم

اینکه ذهن پرسشگر انقدر درگیر شود که ندانی از کجا شروع کنی
اینکه خواب شب را برای خودت حرام کنی؛ هی از خودت سئوال کنی و هی جواب را مرور کنی... که نکند با جمله و دعای خیرت دلی را شکسته باشی..!!
اصلا بیا از اولش شروع کنیم:
از آن روزی که نشستیم و به مُردن فکر کردیم یا نه؛
بیا از همین قضیه دیشب شروع کنیم... از پُستی در همین فضای مجازی که بلای وجدان ما شد..!!
اینکه برای عروس و دامادی دعای خیر کردیم «عاقبت به شهادت إن شاءالله »
و یکی آن وسط که نه عروس بود و نه داماد و نه اساساً وصله اینها
بگوید: «بعد از صد و بیست سال؛ إنشاءالله» و ادامه اش تو بگویی...
هیچ کجای مناجات عرفه حسین سن و سال ندیدم
او بگوید؛ هیچ کجای مفاتیح و روایات دعای شهادت برای تازه عروس ندیدم
تو بگویی؛ عاقبت شهادت لیاقتی است که نصیب خواهان می شود

و از علی بن الحسین بگویی «القتل لنا عاده و کرامتنا الشهاده»... و اینکه عاقبتی بالاتر از شهادت نیست
و او بگوید «خدا آگاه به نیات ماست..!!!!!!!!» بعد و بعد و بعدترهایش...
و همه شب ذهن ات درگیر این می شود که؛ اصلاً چرا این روزها دعای شهادت برای برخی،
به سان فحش و نفرین شده..!؟ از همین حضرت مادرمان بگیر تا الخ...
همین حضرت مادر خودمان؛ وقتی به کسی می گوئیم شهادت إن شاءالله، یا اصلاً در حق خودم دعا می کنم
از همان اخم ها و کلمات قصار بارمان می کند که ؛ «هنوز حرف زدن بلد نیستی..!!»
مگر دعا برای عاقبتی که به شهادت ختم شود، زمان و مکان خاصی دارد..!؟
حالا بیا از مردن حرف بزنیم... شهادت را بگذار کنار:
خیلی وقت بود که به این فکر کرده بودیم و پرونده اش را گوشه ذهن پریشان من بسته بودی که اگر تو را دوست داریم؛ اگر منتهای همه چیز تویی
اگر تو همان أَرْحَمَ الرّاحِمینَ... اگر تو همان رفیقی هستی که جز او رفیقی نیست
اگر إِنّا لِلّهِ وَإِنّـا إِلَیْهِ رَاجِعونَ؛ که از تو بودیم و باید به تو برگردیم
پس چرا مُردن برایمان سخت است..!؟
شاید من زیادی با تو رفیق شده ام و این خوب نیست... شاید تو زیادی برای من تو شده ای و این خوب نیست..!!
اصلاً چرا وقتی یکی همین کلمه قصار «بمیییییییر» را نصیبمان می کند؛ بهمان بر می خورد..!؟
مگر نه اینکه تنها راه برگشتن همین مردن است..!؟ اصلاً قرار به ماندن تا ابد نبوده از ابتدا
اصلاً همان شعار؛ دنیا محل گذر است...

چرا با هم جور در نمی آیند دوست داشتن تو و دوست نداشتن مُردن..!؟
اینکه اگر کسی به من می گوید؛ «بمیر» که به خیال خودش نهایت تأسف را به حالم خورده
من در جوابش با لبخند بگویم؛ «ممنون» و نگاهی عاقل اندر سفیه بیاندازد که مخاطبش از پایه مجنون است!
خب مگر نه اینکه تنها راه برگشتن مُردن است..!؟

بیا برگردیم به همین داستان دیشب... به همین که من حرف زدن بلد نیستم.
دعای خیر کردن بلد نیستم...
مگر نه اینکه همه چیز امانت خداست..!؟ نباید دل ببندی؛ دل بسپری..!؟ حتی لحظه ای..!؟

فرض کن من نشسته ام سر همین سفره عقد و حضرت ملک الموت سر برسد که؛
«جمع کن باید برویم » و من التماس که تا الان صبر کرده اید یک روز دیگر هم بنویسید به حساب؛
اصلاً نخواستیم روی ماه خدا را ببوسیم..!!!
شاید دلبستن به دنیا و هر چیزی که دارد یک لحظه اش بی عیب است و چند ساعتش معصیت..!!
مگر نه اینکه من عمری خودم را شیعه علی فرض کرده ام، پس :
و الله لا بن ابیطالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه... برای من یک شعار بوده همیشه..!؟

نگو مردم از عقوبت اعمال پس از مرگشان می ترسند که توجیه است.
که اگر ما از عقوبت مان می ترسیدیم اینقدر راه کج را دنبال نمی کردیم.
نگو عرف نیست دعای شهادت برای تازه عروس و داماد
که برایت مثال ها می آورم از آنها که سر سفره عقد همان لحظه استجابت دعا از همسفر زندگی شان

طلب ختم عاقبت به شهادت کرده اند.

ما دنیا را چسبیده ایم دو دستی حتی با همه سختی هایی که برایمان داشته و دارد
و بی تابی دیدار تو را شعار می دهیم !
نه اینکه من از مرگ نمی ترسم که این هم شعار است ... نه اینکه افسردگی و از اینها دارم ها... نه...
نه اینکه کفران نعمت می کنم که به قول سعدی ؛
«هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیات است و چون بر می آید مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است ... و بر هر نعمتی شکری واجب...»
من همه اینها را می دانم مثل تو... ولی ؛
نمی دانم هنوز هم چرا دعا برای عاقبتی که به شهادت ختم شود گاهی اوقات حرف خوبی نیست..!؟
مگر دعا برای شهادت زمان و مکان خاص می طلبد..!؟
اصلاً و اساساً تسلیم ؛ من حرف زدن بلد نیستم ...
من دعا نکنم بهتر است...
که من هرچه برای خود می پسندم را ؛ مِن بعد برای دیگران نپسندم بهتر است!

اگر روزی توی همین فضای مجازی پُستی گذاشتم که ؛ به خیال خودمان تکمیل دین کردیم ما هم..!!
بیایید توی کامنت هایش بگوئید: «عاقبت به شهادت...» شاید آن موقع من هم بنویسم بعد از صد و بیست سال..!!
چرا با هم جور در نمی آیند دوست داشتن تو و دوست نداشتن مُردن..!؟

دست خط: peimane

تولیـــدات طنـــز افســـران

www.afsaran.ir/ganjine/5

اخبار افسران

مدتیست که یک ویژگی جدید به نام «بحث روز» به سایت اضافه شده است . بنر بحث روز سمت چپ سایت قرار گرفته و در بازه های زمانی مختلف مطالبی را برای بحث به صورت لینک در سایت به اشتراک میگذارد و کاربران می توانند نظرات خودشون را در مورد موضوع لینک مطرح کنند . نتایج بحثها هم به صورت اماری توسط همین کاربری منتشر میشود . تاکنون بیش از ۱۰ بحث انجام شده است .

http://www.afsaran.ir/profile/bahserooz

در تاریخ ۱۲ . ۱۳ شهریور برنامه نشست افسران توسط مدیریت این شبکه اجتماعی برگزار شد . در این نشست چند تن از اساتید و شخصیت های مهم کشور سخنرانی کردند و مسائل مهمی را مطرح نمودند . سخنرانان این دو روز عبارت بودند از آقایان : بذرپاش ، مهدی محمدی ، زاکانی ، بخشیانی ، سراج ، پناهیان و مدیر شبکه آقای حجت ملکی . در این نشست دو روزه بیش از ۸۰ نفر از کاربران سایت شرکت داشتند .

طی ماه گذشته ۶ نظرسنجی در سایت افسران انجام شد : چهره خوب و بد آبان ماه ، تمدید مذاکرات هسته ای و دلیل عدم حصول توافق جامع ، ارزیابی عملکرد مجلس نهم و چهره خوب و بد آذرماه ، و دلیل پیشنهاد رفراندوم توسط رئیس جمهورکه هم اکنون نیز فعال است.

برترین پیامک ها

ای سید ما، ای مولای ما
ما آنچه باید بکنیم انجام میدیم، آنچه باید
می گفتیم هم گفتیم و خواهیم گفت
من جان ناقابلی دارم، جسم ناقصی دارم،
اندک آبرویی هم دارم که این رو هم خود
شما به ما دادید
همه اینها را من کف دست گرفتم و در راه
انقلاب و اسلام فدا خواهم کرد
سید ما، مولای ما دعا کن برای ما....
#آقا
#فراموش_نمیکنیم
Hojjat

من حتی توی خواب هم نمی دیدم که یه روز
کربلایی بشم ...
بدون خجالت بگم که وضعیت مالیم هم در
حال حاضر اصلا به نحوی نبود که بخوام سفر
رو شروع کنم ...

دست به دامن حضرت عباس علیه السلام
شدم...شب تاسوعا حاج آقا مومنی گفتند
دست به دامن کسی بشید که طعم نا امیدی
رو چشیده باشه . من توسل کردم ...همه چیز
خودش جور شد ...از جایی که فکرشم نمی
کردم ...
دست به دامن سقا بشید...
Fotros72

دوستان محترم
در جریان باشید که یه عده ای از کاربران
خوب سایت
افسران جنگ نرم
به دنبال راه اندازی یک کمپین در ایام ۹ دی
هستند
آماده باشید
ما هم آماده ایم
Hojjat

برترین لینک ها

سلامی که از طرف کاربر salehon در راهپیمایی اربعین از طرف افسران خدمت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام عرض شده بود

لینک خداحافظی کاربر khademoshahid که اسامی کاربران را هم نوشته بودند تا در سفر اربعین از طرف همگی زائر اباعبدالله الحسین علیه السلام باشند

همراهی کاربر behnam83 با کمپین
« ما عاشق مبارزه با صهیونیست ها هستیم »

همزمان با فرارسیدن پنجمین سالروز حماسه عظیم نهم دی و در حالی که زمزمه به فراموشی سپردن آن رویدادهای تاریخی به گوش می رسد کاربران سایت افسران کمپین یا پویش بزرگی با عنوان « فراموش نمی کنیم» را برگزار کردند . در این پویش سراسری خطاب به فتنه گران اعلام شد که فتنه سال ۸۸ و مسببان آ« را فراموش نمی کنند و نمی توان به سادگی آن وقایع تلخ و خیانت برخی خواص را به فراموشی سپرد و شاهد بازگشت فتنه گران بود .
این پویش در شبکه های مختلف اجتماعی انتشار یافت

-ای بابا علی جون، این که غصه خوردن نداره. یخورده صبر کنی درست میشه.
از شنیدن این حرفها خندم گرفته بود. برگشتم گفتم: یعنی چی این حرف ها، بابا ما کلی وقت گذاشتیم، کار کردیم، فکر کردیم، چقدر پول خرج کردیم برای تهیه طرح، برای اینکه موقع اجرا به مشکل بر نخوریم، همه چیز درست پیش بره، چقدر رفتیم این ارگان اون سازمان که هزینه ها رو تامین کنیم، بابا اینا بیت المالن، بچه ها از زندگی شون زدن برای این کار، من جواب بچه ها رو نمیتونم بدم، چه برسه به خدا.
این ها رو گفتم و با ناراحتی برگشتم خونه.
هنوز هم ناراحت بودم که تلفنم زنگ خورد.
کلی خوشحال شدم، قدری از اون ناراحتی فراموش شد، بالاخره جواب استخدام من مشخص شد. یک شرکت نیمه دولتی. خیلی به کارش علاقه داشتم و میشد در کنارش به کارهای فعلی هم رسید.
مقدمات استخدام انجام شد و دیگه باید میرفتم سر کارم.
روز اول بود. مثل همیشه لباس پوشیدم. پیرهنی که می انداختم روی شلوار.
از پله های شرکت رفتم بالا و وارد شدم.
با همون نگاه اول جا خوردم. منشی دم در نشسته بود. تا حالا ندیده بودمش. کاملا راحت و آزاد. مشغول بگو و بخند با مردی که جلوی میزش ایستاده بود. با لبخند رو به من کرد و گفت: خیلی خوش آمدید جناب. بفرمایید، امرتون.
خودم رو معرفی کردم: علی فرقدان. برگشت گفت: به به علی آقا! بچه ها بیاید، کارمند جدید اومده.
بعد بلند شد و ایستاد. چشمش که به نوع لباس پوشیدن من افتاد و دقت بیشتری که به چهره من کرد، حسابی جا خورد. آروم نشست. چند نفر دیگه از کارمندا هم اومدن. اونا هم تا من رو دیدند شوکه شدند.
پچ پچ ها شروع شد. بعد منشی برگشت گفت: برادر فرقدان! تشریف ببرید جناب رئیس منتظرتون هستند.
حرکت کردم به سمت اتاق رئیس. بین راه نگاه سنگین کارمند ها رو متوجه شدم، همینطور حرف های در گوشی رو: بابا بچه مثبت! این دیگه از کجا پیداش شد؟!!
وارد اتاق رئیس شدم. بعد از سلام و احوالپرسی گفت: جناب آقای فرقدان، قبلا صحبت هایی راجع به نوع کارها و شرایط اینجا با شما انجام شده. اما نکته ای رو باید خدمت شما بگم که برای اینکه هم شما راحت باشید و هم سایر کارمندان، خیلی به خودتون سخت نگیرید!
با این حرف خیلی چیزها دستگیرم شد.
یکی دو روز از شروع کارم میگذشت. فضای خوبی نبود، نوع روابط، شوخی ها، وضع پوشش و حجاب و ... اذیتم میکرد. از اون مهمتر متلک هایی بود که به من می انداختن. خسته و کلافه بودم. تصمیم گرفتم قید کار رو بزنم. بیکار بودن بهتر از این بود که ایمانم در خطر بیوفته. تصمیمم رو گرفتم. به خودم گفتم صبح میرم و تسویه حساب میکنم.
صبح رفتم شرکت. خانم منشی مثل همیشه از من استقبال گرمی کرد! با تیکه همیشگیش: سلامٌ علیکم حاج آقا!
رئیس هنوز نیومده بود. رفتم تو اتاقم و منتظر بودم تا رئیس بیاد و قضیه رو بگم.
تو این فکر بودم که چطوری بهش بگم که نکته ای به ذهنم رسید: چرا من برم؟ چرا من میدون رو خالی کنم؟ چرا من عقب نشینی کنم؟ اگه مردی وایسا و اینجا رو تغییر بده. اگه فضا برای بچه مذهبی ها مناسب نیست، بچه مذهبی ها نیان؟ خوب فضا رو تغییر بده و مناسب کن.
تصمیمم عوض شد. مصمم تر از قبل به ادامه کارم فکر کردم. می بایست بجای خالی کردن میدون، فضا رو عوض میکردم. اما چطوری؟
چطوری کاری کنم که تاثیر داشته باشه. نه تشنج آفرین و بدتر موجب اختلاف بیشتر؟!
با خودم دودوتا چارتا کردم و راهش رو پیدا کردم. راهش خودم بودم.
اما خودم هم مشکل داشتم. اول باید روی خودم کار میکردم. تا خودم مشکل داشتم، نمیشد کاری کرد.
باید اول رفتار خودم رو درست میکردم.
دیگه هدفمند رفتار میکردم. میدونستم چکار میکنم.
اول از همه رفتم سراغ آبدارچی. آدم زحمت کش و خوبی بود. اما همیشه از رفتار دیگران زجر میکشید. خیلی مراعاتش رو نمیکردن. کمکش میکردم. اگه میدیدم ظرف کثیفی داخل آبدارخونه مونده ، اون رو میشستم، بعضی وقت ها زباله ها رو جمع میکردم و ... . بنده خدا آبدارچی خیلی بهم احترام میگذاشت. شده بود یکی از حامیان من!
میگفت خجالتم نده. بهش میگفتم: مشتی، خجالت رو من باید بکشم که بهت زحمت میدم.
شروع کردم با پول شخصی، برخی مطالب سبک زندگی و روابط اجتماعی - اسلامی رو چاپ کردن و نصب می کردم در برد شرکت. البته چون مشتی نصب میکرد، فکر میکردن از طرف شرکته.
برخوردم رو با اون هایی که رفتار سالمی داشتند گرم و محترمانه نگه داشتم و با سایرین سرد و بی روح.
به مشکلاتشون رسیدگی میکردم، اگر میشد حلشون میکردم، به درد ودل ها گوش میدادم و راهنمایی میکردم. حتی توی کار هم اگر مشکلی داشتند یا مرخصی میرفتند، من به جای اون ها، کارها رو انجام میدادم.
همه متوجه شده بودند علت رفتارم چه هست. و کم کم اونهایی که می خواستند رفتارم باهاشون سرد نباشه متوجه میشدن مشکلشون کجاست.
به تدریج رفتارها شروع به تغییر کرد. طوری رفتار میکردند که نظرم رو نسبت به خودشون عوض کنند. میدونستن باید چکار کنند
دیگه هر روز که به شرکت میرفتم یک تغییر میدیدم. حجاب ها بهتر شدند، دیگه حداقل جلوی من شوخی نمیکردند. تغییر رفتارها جلوی من، یواش یواش باعث شد وقتی که من هم نباشم، دیگه اون کارها رو انجام ندن.
من به هدفم رسیدم. اما وظیفه من سخت تر شد.
این تغییر رفتارها حتما بخاطر لطف خدا و برکتی بود که به حرکتم داده بود. باید کاری میکردم این تغییرات بخاطر عقیده من باشه، نه شخص من. بعد خودم هم باید مواظب رفتارم میبودم. رفتارم رو به حساب شخص من نمیگذاشتند بلکه به حساب عقیده من میگذاشتند. در واقع من رو نماینده یک طرز فکر میدونستند.
اگر کار اشتباهی انجام میدادم، سریع جبرانش میکردم.
یه روز آبدارچی برگشت بهم گفت: خدا خیرت بده، واقعا آدم خوبی هستی. اون وجودت خوبه.
بهش گفتم: مشتی، خوبی ندیدی، ما کجا و خوبی کجا، حالا مونده تا ما خوب بشیم، ببین مشتی، اگه همه گوش به حرف بدن، همه خوب میشن.
گفت: آره دیگه، باید به حرف تو گوش بدن!
خنده ام گرفت. گفتم به حرف من گوش بدن؟ من کی باشم ؟!! خودم باید حرف گوش بدم.
گفت: حرف کی؟ گفتم: خدا!!
برگشت و رفت و زیر لب تکرار میکرد: خدا....
حالا دیگه فضا، فضای خوبی بود.

نویسنده : khademoshahid

مصاحبه با کاربر Omidomidi

بسم الله الرحمن الرحیم

احتمالا ایشان را با نرم افزارهای اندروید مختلفی که تولید کرده اند می شناسید اما زمینه فعالیت های ایشان فراتر از اینهاست . صاحب چندین رتبه کشوری در زمینه وبلاگ نویسی و اختراع و طراحی های گرافیکی و حتی عکاسی ! خواندن حرفهای این همسنگر گرامی و پرتلاش را به همه توصیه می کنم

سلام علیکم
با اینکه خیلی از اعضای سایت شما رو میشناسند ولی لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید

بنده امید امیدی، دانشجوی سال سوم دکتری تخصصی مهندسی مکانیک بیوسیستم هستم و در حال حاضر مشغول تحصیلم. نام کاربری من در افسران همان اسم و فامیلم هست. (omidomidi)

لطفا کمی در مورد گرایش رشته تون توضیح بدید

رشته مکانیک بیوسیستم یکی دو سال هست که از ادغام چند گرایش صنایع غذایی، طراحی ماشین های کشاورزی و صنایع فرآوری محصولات کشاورزی ایجاد شده و درواقع ارتقا یافته رشته مهندسی مکانیک ماشین های کشاورزی است. اهداف و آمال این رشته هم رشد علمی صنایع، سخت افزار و فنون بررسی و شناسایی محصولات کشاورزی و غذایی در قبل، حین تولید و بعد از برداشت و تولید مواد غذایی و کشاورزی است. دانشجویان این رشته به قدر کفایت از تمامی تخصص های برق و الکترونیک، مکانیک، موتور، زراعت، باغبانی، دامپروری، کامپیوتر در راستای ارتقاء فنی علوم کشاورزی بهره مند هستند.

چه مدت هست در فضای مجازی فعالیت دارید و چطور با افسران آشنا شدید؟

فعالیت جدی من در فضای مجازی از سال ۱۳۸۵ به بهانه مسابقات بین المللی الکترونیکی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شروع شد. این شروع وبلاگ نویسی بود و کم کم به توسعه کمی و کیفی وبلاگها رسید و امروز به شبکه های اجتماعی سوق پیدا کرده . شبکه افسران را هم در تبلیغات اولیه شبکه در هنگام راه اندازی عمومی شناختم. یادم هست اون روزها یک شبکه دیگه هم از شمایل و تم افسران استفاده کرده بود. خلاصه در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۰، بعد از نهارا عضو شبکه شدم. البته قبلاً در گوگل پلاس بودم اما الان یکی دو سالی هست اکانت گوگل پلاس را حذف کردم و تنها در افسران عضوم

با چه نوع کاری در اون مسابقات شرکت کردید؟ نتیجه چی بود ؟

من وبلاگ پیامبر امید را در اون مسابقه شرکت دادم. اوایل فقط متن در وبلاگ پست میکردم اما بعداً برای بقیه وبلاگها بنر و لوگو و حتی قالب میساختم. توی مسابقه خدارا شکر دوم شدم. وبلاگ را هنوز دارم و یکی از وبلاگ های قدیمی ام هست و هنوز فعاله.
peyambareomid.blogfa
البته در بخش کتابخوانی هم برگزیده شدم .

از فعالیت هاتون در سایت متوجه شدیم که برنامه نویسی اندروید انجام میدید . با وجود اینکه رشته شما مکانیک هست چطور شد به سراغ برنامه نویسی اندروید رفتید؟

ماهیت رشته من مکانیک نیست. اساس و پایه رشته بنده کشاورزی است. من قبل از ورود به این رشته علاقه زیادی به کامپیوتر داشتم و در سنین نوجوانی بالاتر از سن خودم اطلاعات داشتم. حتی با سیستم عامل داس در سن های ۱۳ و ۱۴ سالگی به خوبی میتونستم کار کنم. اما بالاخره جبر رتبه کنکور و نداشتن هزینه دانشگاه آزاد مجبورم کرد وارد این رشته بشم. اما هنوز پیگیر علاقه مندی خودم هستم و آرزو میکنم روزی بشود از پایه سراغ رشته کامپیوتر بروم. الان که محدودیت نظام وظیفه دارم. همیشه هم دنبال برنامه نویسی بودم. حتی با این تکنیکی که بلد بودم از خیلی از بچه های هم دوره ای خودم در اموری که متکی به رایانه بود جلوتر بودم. خدا راشکر به خوبی توانستم بین علاقه مندی و رشته تخصصی ام تلفیق ایجاد کنم.

در رابطه با رشته تخصصیتون تولید ویژه ای داشته اید؟

پایان نامه ارشد من طراحی و ساخت یک دستگاه تمام خودکار درجه بندی گوجه فرنگی بر اساس رنگ، اندازه، شکل و عیوب بود. این دستگاه تنها نیاز به یک اپراتور نیمه وقت داره. دستگاه را ثبت اختراع کردم اما بهش توجهی نشد. الان در حد یک نوشته باقی مونده. بقیه کارهایم هم پژوهشی بوده است.

من هیچوقت نمیگذارم یک شبکه اجتماعی مثل افسران جای روابط کلاسیک اجتماعی ام را بگیرد

فکر می کنید مشکل این بی توجهی به اختراعات چیه ؟ آیا به خاطر پایین بودن سطح اختراعات نسبت به مطالبات صنعتی هست یا بحث بی توجهی به نیروی داخلی یا منافع زودگذره؟

فکر میکنم صنایع یا به دنبال پروژه های خیلی بزرگ هستند و یا به دنبال پروژه هایی هستند که خیلی زود بازده باشد. پروژه های بزرگ هم به دلیل اینکه کار گروهی خصوصاً در دانشگاه ها تا طرفهای کار ذینفع نباشند هیچوقت وجود نداشته کیفیت لازم را ندارد. کارهای زود بازده هم که هیچ وقت در صنایع سخت افزاری رخ نخواهد داد چون نیاز به سعی و خطا دارد. از طرفی گردش اطلاعات در ایران بسیار ضعیف است. مثلاً فردی خواهان ادامه یک فعالیت یا موضوع انجام شده باشد نمیتواند به آن تحقیق یا پایان نامه دسترسی داشته باشد. خود بنده برای توسعه یک کاری که تنها یک بار در ایران انجام شده اون هم در خارج از کشور و در ایران فقط داده کاوی شده بسیار سختی کشیدم. هنوز هم منابع لازم را نیافتم. اختراعات با اینکه ثبت میشوند اما مشکلاتی دارند که باید برای صنعتی شدن و استفاده در صنعت بهینه شوند که با این مشکلات و حتی سرقت های علمی و اسناد امکان این بهینه سازی وجود ندارد. خیلی از اساتید با اینکه رزومه خیلی خوبی دارند اما تنها هنر علمی آنها نوشتن و چاپ مقالات است. وگرنه هیچوقت در یک آزمایشگاه یا کارگاه آنها را نمیبینید. همه اینها دست به دست هم میده که نمود کارهای پژوهشی و اختراعات به شدت ضعیف باشد. کافیه یک روز به اداره ثبت اختراعات سری بزنید. از اینهمه ثبت روزانه اختراعات تعجب میکنید که پس چرا وضع مملکت اینجوریه. اما میبینید یک کباب پز ثبت اختراع میشه. یک موتور درونسوز داخلی هم ثبت اختراع میشه. کباب پز تجاری میشه با هزار تبلیغ و سود آوری کاذب. اما موتور درونسوز به علت مافیای تولیدات اتومبیل تنها در حد یک گواهی باقی می مونه !

وضعیت کشاورزی در ایران رو چطور می بینید؟

در کشاورزی مدرن صنعتی خیلی ضعیف هستیم. بسیار متکی به صنایع خارجی هستیم. به صنایع توانمند داخلی در فاز کشاورزی اصلا توجهی نمیشه. به وضوح دست مافیای قدرت و ثروت در این بخش سود آور کشور مشهوده که درحال واردات بی رویه محصولات و صنایع و وابسته کردن کشور به ازای ثروتمند کردن خودشون هستند. تمام پیشرفت های ما در بخش بیوسیستم مثل تولید بیوگاز، بیودیزل، سورتینگ پیشرفته، تکنولوژی های هوش مصنوعی، ناوبری ها و همه و همه در بخش کشاورزی استفاده نمیشوند و اگر قرار هم باشه عملی شوند بیشتر در بخش نظامی مورد استفاده قرار میگیرند. نخبگان رشته بنده یا به سمت رشته های مکانیک میروند و یا بعد از تحصیل در کارخانجات اتومبیل سازی یا نظامی مشغول کار میشوند. چون در این زمینه ها توانمندی های خوبی دارند. خصوصا در بخش زمینی نیروهای مسلح. اما بخش کشاورزی به دلیل بی توجهی، خرافات، عادت با کشاورزی کلاسیک و منابع فراوان خاک و آب در فقر توسعه ای به سر میبره. واقعاً یک پدر و یک راهبر در بخش کشاورزی نیاز هست تا انقلابی در این زمینه بشود. در این صورت میتوان مشت محکمی به عقب ماندگی ها زد.

در صورت ادامه تحریم ها یا افزایش اونها می توانیم به خودکفایی نسبی برسیم ؟

همانطور که گفتم با بی توجهی ها و رانت های پنهان و آشکار الان صنایع کشاورزی ما وابستگی شدید به ماشین آلات دارد. در ابزار های ساده و قدیمی مثل تراکتورهای ساده، کمباین ها، برداشت کننده های مرسوم مثل چاپر ها و بقیه ابزارها در کشور تولیدات داریم. اما در ۶۰ درصد بخش کشاورزی هنوز برداشت ، کاشت و داشت همه سنتی و کلاسیک هست. به شدت منابع به هدر می روند. آبیاری سنتی است مگر اینکه سدی در نزدیکی زمین ها وجود داشته باشد برای

آبیاری بارانی یا قطره ای. کشورهای توسعه یافته الان حتی میوه های خودشان را با ماشین برداشت میکنند. الان به یک مهندس کشاورزی در ایران بگوییم ماشینی طراحی کند تا پرتقال برداشت کند به شدت تعجب میکند. اما امریکا الان ماشینی دارد برای اینکار که یکی از بزرگترین ماشین های دنیاست. یا حتی برداشت برگ چای. برداشت زیتون. و این جور محصولات واقعا توانمندی در ایران و دانشجویان هست که طراحی و ساخت داشته باشیم. اما اساتید و دانشجویان تنها هدفشان مقاله است و صنایع هم اعتمادی به محصول داخلی ندارند و پشتیبانی نمیکنند. به همین دلیل دانشجویان این رشته هم بیشتر سمت علوم کامپیوتری، نظامی و اتومبیل میروند. با این روند بنده امیدی به خودکفایی صنعتی در بخش کشاورزی نمیبینم.

واقعاً یک پدر و یک راهبر در بخش کشاورزی نیاز هست تا انقلابی در این زمینه بشود. در این صورت میتوان مشت محکمی به عقب ماندگی ها زد

برگردیم به فضای مجازی ! به عنوان یک کاربر فضای مجازی چه انتظاراتی از یک شبکه اجتماعی دارید ؟

جدا از امکانات و کاربری شبکه، یک شبکه اجتماعی تعریف عمومی خودش را دارد. اما من این تعریف را برای خودم محدود تر کردم. بخشی از فعالیت ها تنها محض سرگرمی و گذراندن وقت، بخشی برای تولید محتوا و بخشی برای یادگیری محتواست. من هیچوقت نمیگذارم یک شبکه اجتماعی مثل افسران جای روابط کلاسیک اجتماعی ام را بگیرد. انتظار دارم در یک شبکه اجتماعی حرف های ساده، تحلیل ها و نتیجه گیری هایی که قبلاً در ذهنم مرور میکردم و نمیتوانستم در اجتماع واقعی بروز بدهم در این شبکه ها بگویم و عواقبی برایم نداشته باشد. همچنین شبکه اجتماعی مجازی را جایی برای عرضه فعالیت ها و محتواهای تولیدی ام و بعد تحلیل برخورد، عکس العمل و نظر دیگران نسبت به این فعالیت هایم میدانم. و در انتها از محتواها، نظرات، تحلیل ها و بازخوردهای دیگران در باره موضوعات متفاوت استفاده کنم. در واقع به صورت کلی شبکه اجتماعی را یک چالش (حتی در حد چالش معتاد کننده) برای تحلیل ها و ایده زایی هایم برای جنگ نرم میدانم

در جنگ نرم چه ماموریتی برای خودتون قائل هستید؟

قبلاً در هر جا و موضوعی کار میکردم و مأموریت خاصی برای خودم قائل نبودم. اما جلوتر که رفتم چند هدف و اولویت برای خودم گذاشتم. اولین هدفم نشر معارف شیعی در دنیاست. به دنبال ترجمه های کتاب های بزرگ شیعی هستم که با تبدیل به نرم افزار در اختیار شیعیان دنیا قرار بدم. مثل کتاب نهج الفصاحه که در گوگل پلی به کمک یه دوست شیعی هندی قرار دادم و حتی از اسرائیل هم دانلود داشتیم. هدف بعدی جنگ محتوایی علیه تفکرات انحرافی است. مثل وهابیت. به دنبال یادگیری بازی سازی هستم. حتی با بازی های ساده میشه پایه های خوبی برای بچه ها ایجاد کرد. و هدف آخر هم امور داخلی در راستای فرمایشات حضرت آقاست. مثل سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی و موضوعات اهم دیگر. که توی این زمینه ها هم کارهایی کردم.

بسیار عالی ... ترجمه به چه زبان هایی بوده ؟

فرانسه، عربی و انگلیسی

غیر از این نرم افزار ، تا الان با اندروید چه محصولاتی تولید کرده اید؟

برنامه ها خداراشکر زیاد بوده. برنامه نهج البلاغه و نهج الفصاحه هردو مایه برکت اینکار شدند. الان بیش از ۳۰ برنامه مذهبی، ارزشی و علمی در مارکت ها منتشر کردم. برخی برنامه ها استقبال خیلی خوبی داشتند. مثلاً نهج البلاغه روزانه حدود ۱۵۰۰ دانلود دارد. آن هم تنها در یک مارکت. برخی از این برنامه ها هم به زبان های انگلیسی و فرانسوی در مارکت های جهانی حتی با وجود تحریم ها توسط برخی دوستان منتشر شده. البته این یک سال اخیر برخی برنامه ها هم توسط بانیان دیگری به بنده سفارش داده شده. مثل برنامه های نور، مشکات، رحمان که از مجموعه احادیث خیلی خوب در مارکت ها شدند.

در پخش این محصولات با مشکلاتی مواجه بوده اید؟

مشکل نشر این برنامه ها بیشتر در حوزه اجازه و حقوق نشر محتوای آنهاست. مثلاً بنده دوسال پیش برنامه ای با کیفیت غررالحکم برای میزان الحکمه منتشر کردم که به شدت از طرف موسسه دارالحدیث توبیخ شدم. در صورتی که محتوای این کتاب به طور رایگان در اینترنت منتشر شده است. که یادم هست که در ان روزها خیلی دلسرد شده بودم. هنوز هم که این برنامه در آرشیو خودم خاک میخورد. اما در بقیه مسائل خداراشکر حدود ۷ مارکت خوب ایرانی داریم که مشکلی در انتشار نیست.

اولین هدفم نشر معارف شیعی در دنیاست

آیا تحت حمایت ارگان یا موسسه فرهنگی هستیدیا بطور خودکفا فعالیت می کنید؟

نخیر. بنده یک سنگر یک نفره دارم . تنهایی کار میکنم. البته تشویق دوستان مثل موسسه سراج هست. اما اینکه همکاری در کار داشته باشم، نخیر، ندارم.

قصد ندارید یک مجموعه یا گروه برای ایده هایی که دارید تشکیل بدید ؟

متاسفانه با اینکه بارها اقدام کردم اما موانعی وجود داشت. برخی الزام به داشتن یک مکان داشتند و یا برخی اصرار داشتند زیر لوای یک تشکل دیگر فعالیت کنم. از طرفی دوستان همکاری در اطراف خودم ندارم و بیشتر دوستان همکاری در کار فرهنگی کلاسیک دارند. یک معضل دیگه اینه که متاسفانه در شهر ما هنوز جایگاه فعالیت مجازی و نرم افزاری شناخته نشده و برای همین زیاد اهمیت به ایده های بنده نمیدهند. بوده که در جلسه های مختلف وقتی درباره خطرات شبکه اجتماعی صهیونیستی و امریکایی توضیحاتی دادم یا خطرات برخی بازی ها را در بین بچه ها متذکر شدم حتی توسط برخی روحانیون مورد تمسخر قرار گرفتم. در هر حال تلاش میکنم برای دست و پا کردن یک عنوان حقوقی

به وضوح دست مافیای قدرت و ثروت در این بخش سود آور کشور مشهوده که درحال واردات بی رویه محصولات و صنایع و وابسته کردن کشور به ازای ثروتمند کردن خودشون هستند

ان شاء الله که موفق باشید ... شما کاربر سایت افسران هم هستید به نظرتون در این شبکه اجتماعی ، جنگ نرم به معنای واقعیش انجام میشود ؟

تا حدی بله. نشانه آن هم بازخورد محتوایی این شبکه در رسانه های بیگانه است. حتی توجه وهابیت و صهیونیسم و بقیه دشمن ها به این شبکه جالب بوده. عضویت شارولین خبیث و چند وهابی را همه یادمان هست. این یعنی تاثیر گذاری. البته مشکلات فنی زنجیر بزرگیه که به دست و پای افسران توی این راه بسته شده که امیدوارم حل بشه

غیر از مشکلات فنی چه عواملی ممکنه باعث بشه شبکه این قدرت تاثیرگذاری رو از دست بده یا میزانش کم بشه؟

اگر در بین کاربران یه جوی ایجاد شود که نشه سلایق متفاوت را مدیریت کرد و یا با تشنج های لحظه ای که توسط چند کاربر که با همین هدف وارد سایت شدند مقابله نشود به نظرم میتونه تدریجاً از تاثیر گذاری کاسته بشه. اما خوشبختانه هرچند به هم ریخته گی هایی در این دو سالی که بودم به وجود آمده اما باز خود کاربران محیط را کنترل کردند. هرچند نظریه ای هست که افسران نسبت به سالهای قبل بدتر شده اما نظر من اینه که محیط افسران بهتر شده چون ذهن ها بازتر شدند.

آیا افسران انتظارات شما رو برآورده کرده ؟

تا حدی میتوانم بگویم بله. فضای افسران را هیچ شبکه اجتماعی در دنیا ندارد و این فضا مطابق روحیات بنده است و یا حداقل مطابق میلم است. البته باز هم جدا از قدرت وامکانات شبکه و سایت که محدودیت هایی ایجاد میکند، افسران برای من، برای پیگیری انتظاراتم از یک شبکه اجتماعی، در حد یک فرد قانع! کافی بوده است.

پس وضعیت مطلوب تری برای شبکه در نظر ندارید؟

به نظرم وضعیت وطلوب تر در این زمان رشد فنی سایت

و خدمات اونه. حتی در بخش تلفن همراه خیلی این رشد فنی واجبه. باقی مسائل برای من حداقل راضی کننده است.

شما خودتون برای این رشد فنی بویژه در بخش تلفن همراه ایده دارید؟

بیشتر بخش فنی نرم افزار همراه افسران هست. منظورم ارتقاء انعطاف اون. یعنی قابلیت های افسران موبایلی را بیشتر توسعه بدیم. میبینید برنامه های مثل واتز آپ یا وایبر از شماره تلفن افراد استفاده میکنن. کاری به هدف اونها ندارم اما استفاده از شماره موبایل افراد یک آی دی انحصاری است و افراد میتونن خیلی راحت همدیگر را در شبکه پیدا کنند. این مورد برای افرادی که در یک راستا فعالیت دارند خیلی مناسبه.

بهترین بهره برداری از این فضا چیست و چگونه حاصل میشه؟

گفتم که فضای افسران با فضای دیگر شبکه های اجتماعی فرق میکند. پس حتماً بهره برداری ها در افسران هم فرق میکند. به نظرم سرگرمی و وقت گذرانی افراطی در افسران ممکن نیست و این خوب است. لزوم کاربران به رعایت خیلی از قوانین ارزشی که در شبکه های اجتماعی دیگر نیست و حتی در لیست قوانین افسران هم نیست و کاربران خود در بین خود وضع کردند، باعث ایجاد یک فضای سالم برای بهره برداری های ارزشی و سالم میشود. وقتی محتواهای شبکه در راستای ارزش ها، خوبی ها و با نگاه به افق انقلاب اسلامی است، یعنی یک خانه شکلاتی بزرگ که در اختیار یک عده علاقه مند به شکلات به صورت رایگان قرار داده شده است. (این مثال به نظرم مثال خیلی خوبی بود، هرچند کودکانه و رویایی!) یعنی بهره برداری ساده، سریع، خوشمزه و آسان. اگر کسی بهره برداری خوب نمیکند دیگر تقصیر صاحب خانه چیست؟!

به نظر شما مهمترین مشکل سایت چیست ؟

انتظارات من از افسران تا حد زیادی برطرف شده است. به نظرم معضل بزرگ سایت همان خانواده فخیمه خطاهای ۵۰۰ است! در تعجبم که درخواست های دسترسی به افسران با آی پی خارجی تا آنجایی که من امتحان کردم به این خانواده فخیمه نمیرسد!!!

اعتقاد من اول جهاد علمیه. پس باید الگوی علمی هم داشت. از طرفی نمود بیشتر نخبه ها میتونه حس اعتماد به نفس و تشویق بیشتری توی این راه داشته باشه

نسبت به فضای موجود در سایت نقدی هم دارید ؟

نقد بنده تنها و تنها مشکلات فنی سایت هست و بس. البته چون جنسیت کاربران و نحوه برخورد با آنها هم در این شبکه مهم هست اگر میشد راحت تر جنسیت مخاطب مشخص باشد خیلی بهتر بود. مثل یک نوار رنگی زیر آواتار هر فرد

لزوم کاربران به رعایت خیلی از قوانین ارزشی که در شبکه های اجتماعی دیگر نیست و حتی در لیست قوانین افسران هم نیست و کاربران خود در بین خود وضع کردند، باعث ایجاد یک فضای سالم برای بهره برداری های ارزشی و سالم میشود

شبکه اجتماعی افسران چه تاثیری بر زندگی شما گذاشته ؟

هیچ! نباید هم تأثیر بگذارد. البته یادگیری اطلاعات، اخبار و روش ها و آموزش ها و بازگویی برای دیگران هست اما اینکه بخواهد تغییری در روش زندگی و اثرگذاری محکم داشته باشد، نه، نداشته است. بگذریم از بی خوابی های برخی شب ها! که نیم ساعت چک کردم رخدادها منتهی به سه ساعت همراهی با دوستان میشه.

اگر مدیر سایت بودید چه اولویتهایی برای فعالیت داشتید ؟

با احترام کامل به hojjat عزیز، اگر مدیر سایت بودم تنها مدیر سایت بودم. در افسران زیاد فعالیت میکردم تا خودم سختی های ناشی از مشکلات فنی، مشکلات بین کاربران و بقیه مشکلات را درک و احساس میکردم. همیشه هم دنبال جذب نبودم. دنبال نگه داشتن بودم.

چه عواملی رو در جذب نخبگان به سایت موثر می دونید ؟

بگذارید من این سوال را از شما بپرسم که چه لزومی به حضور نخبگان در شبکه اجتماعی است؟

قرار نیست شما از بنده سوال کنید! ولی به صورت کوتاه عرض می کنم به همون دلیل که وجود نخبگان برای قدرت گیری جوامع حقیقی لازم است

یک لحظه احساس فیلم های بازپرسی جنایی دهه اول انقلاب بهم دست داد!!!

باید برای تخبگان برنامه داشت. نخبگان در این شبکه ها آنطوری که ما انتظار داریم فعالیت نخواهند کرد. شاید این شبکه ها به نحوی دست و پای فعالیت های سابق نخبگان را ببندند. پس باید هدفمند آنها را به عضویت در این شبکه ها ترغیب کرد. با عضویت هر نخبه انتظارات دیگر اعضا از وی خیلی زیادتر میشه. چون اضلاع ارتباطی اون فرد با مردم بیشتر میشه. پس باید استفاده مفید داشت. به نظرم حضور نخبگان در فضاهایی مثل شبکه آرمان، و این گونه رسانه های مرتبط با شبکه های اجتماعی خیلی بهتره تا کاربری کلاسیک. نخبگان وظیفه تولید محتوا داشته باشند. یعنی تا محیط مناسب برای گسترش اضلاع ارتباطی آنها را فراهم نکردیم نباید انتظار فعالیت نخبه گونه در فضای اجتماعی توسط نخبگان داشت.

متاسفم ... همچین قصدی نداشتم :)
فکر می کنید جای چه کسی از نخبگان که میشناسید تو شبکه خالیه ؟

خواهش میکنم. شوخی کردم.
جای نخبگان علمی و صنعتی در افسران خالیه. واقعاً میشه به نحوی که گفتم از این قشر استفاده کرد. اعتقاد من اول جهاد علمیه. پس باید الگوی علمی هم داشت. از طرفی نمود بیشتر نخبه ها میتونه حس اعتماد به نفس و تشویق بیشتری توی این راه داشته باشه

از نظر شما یک کاربر خوب چه نوع کاربری هست؟

یک کاربر خوب کاربریه که دعوا نکنه! این شوخی بود اما جدا از شوخی تعریف کاربر خوب در افسران خیلی سخته. بودند کاربرانی که خیلی بچه ها دوستش داشتند اما یکدفعه تغییر رویه دادند و غیر فعال شدند. اما از نظر من کاربر خوب اینه که نه زیاد مثبت باشه و نه زیاد منفی. خود من به شخصه در شبکه اجتماعی تنها هوای حق را دارم. حتی رفیق فابریک افسرانی ام باشد و حرف حق نزد هم برایش گزارش رد میکنم و هم منفی میدم. واقعاً تعریف کاملی نمیتونم از کاربر خوب در افسران بهتون بدم.

اگر مدیر سایت بودم تنها مدیر سایت بودم. در افسران زیاد فعالیت میکردم تا خودم سختی های ناشی از مشکلات فنی، مشکلات بین کاربران و بقیه مشکلات را درک و احساس میکردم

خیلی ممنون که وقتتون رو در اختیار نشریه قرار دادید اگر صحبت یا پیامی به عنوان کلام آخر برای کاربران شبکه دارید بفرمایید .

من هم خیلی سپاسگذارم از محبت شما و نشریه
در آخر هم میخوام یک معضل بزرگ را که بین اغلب بچه های ارزشی خصوصاً توی دانشگاه میبینم بگم. اینکه جهاد اول همه ما تحصیل و علمه. وقتی از لحاظ علمی حداقل در نمود وضعیت نمرات و درس دانشگاهی قوی باشیم میتونیم توی کرسی های آزاد اندیشی، دیدار با مسئولین، شرکت در تشکل های بسیج و تشکل های ارزشی دیگه و حتی در بحث های کلاسی تأثیر گذار باشیم. به همه دوستان و به ویژه خودم نصیحت برادرانه میکنم پایه و اولویت اول زندگی و کارشون را علم و درسشون قرار بدهند. بعداً میتوان به همه چیز رسید. تنها علم ماست که با افزایش کیفی و کمی دشمن هیچ جور نمیتونه جلویش را بگیرد. در هر چیز دیگه میبینید که دشمن به راحتی میتونه تمام بافته های ما را پنبه کنه. اما برای علم فقط مجبور هست دانشمند را از بین ببره. پس علم از همه چیز مهمتر و ماندگار تره.
از نشریه، از مجموعه افسران که انشاالله در آینده دیگه باید بگیم مجموعه جنگ نرم افسران با شعبه های استانی و از همه شما متشکرم.

احکام

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به سوالی فرمودند : «... ممکن است موسیقی ـ به اصطلاح فقهی اش ـ موسیقی لهوی باشد. لهو یعنی، غفلت یعنی، دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت دور شدن از واقعیّت های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی بندوباری این موسیقی می شود حرام.
اگر این با کیفیّت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود، فرقی نمی کند. شما می گویید زبان بین المللی. آن موسیقی یی که به قول خود شما مرزها را در نوردیده و در جاهایی پخش شده، آیا این لزوما موسیقی خوبی است؟ صرف این که یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه، به هیچ وجه.
ممکن است یک موسیقی یی باشد که به شهوترانی و نشاط های شهوی جوانی تحریک می کند، طبیعی است که یک مشت جوانی که غفلت زده هستند، از این موسیقی خوششان می آید.»

.....

با عرض سلام و آرزوی طول عمر با برکت برای حضرت عالی به عرض می رساند که یکی از مسابقاتی که در امور تربیتی بین دانش آموزان سراسر کشور برگزار می شود، مسابقه ی سرود است. در این مسابقه از ابزارهای موسیقی استفاده می شود و به تجربه ثابت شده که این ابزارها ..گاهی باعث جذب بعضی از دانش آموزان به نواختن موسیقی شده و ترک تحصیل می نمایند... آیا حضرت عالی تجویز می فرمایند همچنان از ابزار موسیقی در مدارس و بین دانش آموزان استفاده شود و اصولا این ابزارها را از مسائل تربیتی اسلامی می دانید یا نه؟

حضرت آیت الله خامنه ای : «استعمال ابزار و آلات موسیقی در نواختن موسیقی مطرب لهوی حرام است و استفاده از این قبیل آلات در غیر موسیقی مطرب لهوی اگر مستلزم مفاسدی باشد جایز نیست و به طور کلی ترویج موسیقی و آلات آن با هدف های نظام اسلامی منافات دارد.»

حکم استماع موسیقی های صدا وسیما یا اداره ی ارشاد، ساخت و تعلیم و خرید و فروش ابزار آلات موسیقی چیست؟

حضرت آیة الله سیستانی: «اگر موسیقی مناسب مجالس لهو و عیاشی نباشد حرام نیست.»
حضرت آیة الله خامنه ای: «هر گونه نوازندگی مطرب لهوی که متناسب با مجالس عیش و نوش باشد حرام است.»
حضرت آیة الله صافی گلپایگانی: «آنچه را عرف مردم موسیقی می دانند، استماع آن و ساخت و تعلیم و تعلم و فروش آلات آن حرام است.»
حضرت آیة الله مکارم شیرازی: «کلیه صداها و آهنگ ها که مناسب لهو و فساد است، حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف عام خواهد بود.»
حضرت آیة الله مظاهری: «اگر موسیقی لهوی و تحریک کننده باشد، حرام است.»

طبق برنامه ریزی اعلام شده، بنابراین است که خانه های موسیقی و هنرستان هایی در این رابطه در شهرستان ها تشکیل شود که با عکس العمل مردم مواجه شده است، نظر حضرت عالی با رواج موسیقی چیست؟

حضرت آیة الله خامنه ای: «آموزش موسیقی و ترویج آن برای نوجوانان با اهداف نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست.»
حضرت آیة الله مکارم شیرازی: «بدون شک تأسیس این گونه مراکز موجب گسترش فساد است و جایز نیست.»
حضرت آیة الله صافی گلپایگانی: «موسیقی و ترویج و تأسیس مراکز برای تعلیم آن حرام است.»
حضرت آیة الله مظاهری: «باید احترام به افکار عمومی نهاد. باید از تشکیل مجالس گناه خودداری کرد.»

آیا خواندن موسیقی برای زنان در کانال‌های ماهواره ای اما با حجاب و پوشش، حرام می‌باشد؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای :
«هر نوع خوانندگی و نوازندگی که انسان را از خداوند متعال و معنویات و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری، بیهودگی و گناه و شهوت‌رانی سوق دهد، لهوی و مضل عن سبیل الله بوده و حرام می‌باشد.»
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی :«جایز نیست.»
حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: «این امور نوعاً خالی از مفسده نیست و باید ترک شود.»
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی : «به نظر اینجانب موسیقی که از آلات طرب باشد مطلقاً جایز نیست.»

حکم شنیدن موسیقی با خوانندگی زن برای مرد چگونه است؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای :
«اگر صدای زن به‌صورت غنا باشد و یا گوش دادن به صدای او به قصد لذت و ریبه باشد و یا مفسده‌ای بر آن مترتّب گردد و یا همراه با موسیقی لهوی و حرام باشد، جایز نیست.»
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: «در هر حال تک خوانی زن اشکال دارد.»
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی :«بطور کلی همه آهنگ هایی که از آلات طرب باشد حرام است و غنا یعنی دور دادن صدا در گلو و خوانندگی زن به صورت غنا و شنیدن صدای او نیز حرام است. »

گردآورنده : ghalandar

اشـــعار افســـرانی

یاد بی‌تابی بر جانان بخیر
آن نگاه خیره بر آستان بخیر

دست آرامش نهادن روی قلب
آن سلام بی‌غش و آسان بخیر

پنجره فولاد، توسّل‌گاه درد
غمگساری‌ها بر ایشان بخیر

یاد دیدار ضریح عاشقان
شور لمس و بوسه‌ای بر آن بخیر

همهمه در سیل مشتاقان دوست
یاد آن یاران اشک‌ریزان بخیر

یاد نقّاره که وقت رفتنم
می‌سرود آوای خوش الحان بخیر

یاد آن تعظیم آخر رو به او
دیدن گمگشته‌ی کنعان بخیر

هر کجا رفتم دلم راضی نشد
یاد بی‌تابی بر جانان بخیر

ostadnovin

عجیب نیست تو خوبی ولی به دل غوغاست
تمام داشته ی ما سلاله ی زهراست

شگفت نیست نداریم تاب خاری که
رود به پای عزیزی که نائب مولاست

ولی شگفت و عجیب است غفلتی که ندید
تمام رنج جهان در دل همین آقاست

و مخفیانه بگویند دشمنان خدا
ولو برای یکی امر آن ولی تنهاست

قرار بود فقط ابرویی به هم آرَد
ز او اشاره و از ما... چرا نشستن هاست؟

هماره ورد لب او بصیرت و اخلاص
و سبک زندگی و وحدت و غم تقواست

بیا ز زخم دلش نیز دردمند شویم
و زیر پا بگذاریم هرچه جهل و هواست

tajebandegi

برگی از بهشت

خدا را در هر لحظه‌ای حاضر و ناظر دانستن، آرزوی سالکان صادق الی الله است. لذا در دعاهایشان می گویند: خدایا به ما توفیق عنایت کن تا طوری عبادتت کنیم که گویا تو را می بینیم. این مقام که اصطلاحاً آن را مقام «احسان»می گویند،بالاتر از مقام «ایمان» است. البته خود مقام احسان نیز وسط راه است و بالاتر از آن مقام «ایقان» است. بنابراین، مقام احسان عبارت از این است که انسان، طوری خدا را عبادت کند که گویا او را می بیند.

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است: «اُعبد الله کأنّک تراه فإن لم تکن تراه فإنّه یراک» خدا را طوری عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. این«کأنّ» و «گویا» برای کسی است که هنوز در بین راه است. وقتی‌انسان به اوج مقام شهود رسید، حرف تشبیه می افتد و سخن از حرف تحقیق «إنّ» و «أنّ» به میان می‌آید. این، همان مقام امیرالمؤمنین(سلام‌الله‌علیه) است که فرمود: «ما کنت أعبد ربّاً لم أره» ؛ من آن نیستم که خدای نادیده را عبادت‌کنم. سالار شهیدان حضرت حسین‌بن علی (علیهماالسلام) نیز در فرازی از دعای عرفه، همین مقام را از حضرت احدیّت (جلّ وعلا) می طلبد و عرض می کند: «واجعلنی أخشاک کأنّی أراک» ؛ خدایا مرا طوری تربیت کن و به من آن توفیق را بده که از غیر تو نترسم و از تو نیز در حد احسان بترسم.

«إلهی أنا الفقیر فی غنای فکیف لا أکون فقیراً فی فقری... ومن کانت حقائقه دعاوی فکیف لا تکون دعاویه دعاوی»

پروردگارا! در آنچه که دارم فقیر و وابسته به تو هستم، پس چگونه در آنچه ندارم بی‌نیاز و مستقل باشم و بنده در حقایقش جز ادعا چیزی ندارد، پس چگونه آنچه را که مدعی آن است بیش از ادعایی باطل نباشد.

آن کس که تو را نیافت چه یافته؟

«ماذا وجد من فقدک وما الذی فقد منْ وَجَدَک لقد خاب من رضی دونک بدلا »

امام حسین (علیه‌السلام) در دعای عرفه می‌فرماید: آن کس که تو را نیافت چه چیز یافته و آن کس که تو را یافت چه چیز را نیافته؟ البته خسارت دید هر کس که به جای تو به دیگری تن داد و دیگری را برگزید.

انسان گاهی از گذشته غمگین و نسبت به آینده هراسناک است. به یاد آنچه از دست داده تأسف می‌خورد و در این خیال که در آینده ممکن است چیزی را به دست نیاورد، هراسناک است.

اگر کسی از گذشته و آینده نجات پیدا کرد از زمان فراتر آمده و روی گذشته و آینده پا نهاده است. اگر بخاطر چیزی که قبلا از دست داده، اندوهگین نباشد و برای آنچه را که بعداً به دست می‌آورد، خوشحال نباشد؛ به تعبیر علی (علیه‌السلام): او تمام زهد را دارا شده است.

آیت الله جوادی آملی

ارسالی توسط : afsarejavan

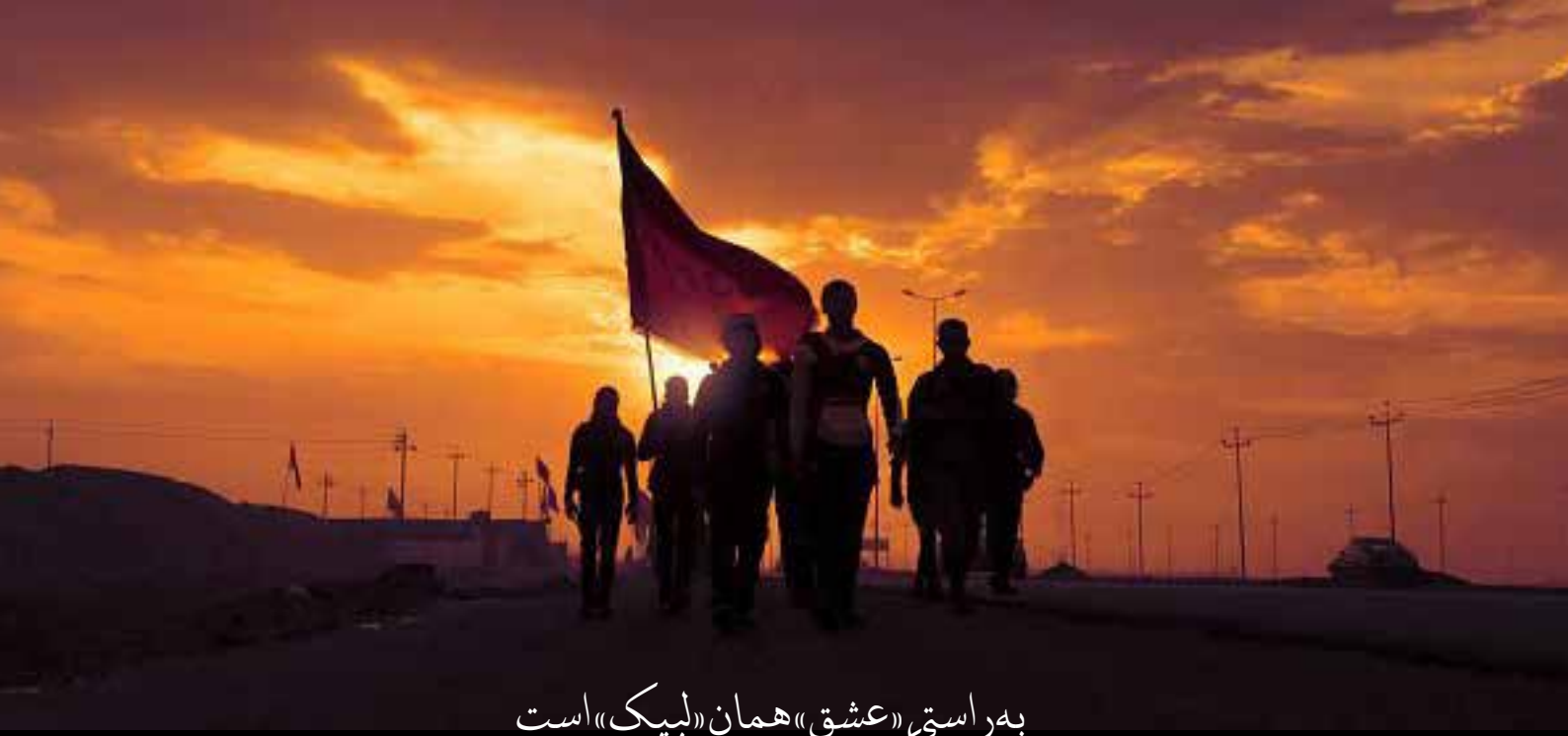

به‌راستی «عشق» همان «لبیک» است
و یا «لبیک» همان «عشق» است؟

مفهوم تر از نامفهوم
چه عجیب است دنیای درون این انسان!
انگار مجهول می شود به وقت دوست داشتن.
هرچند بخواهی محبتِ غیرِ خدا را رجم کنی، نتوانی! که باز هم
نا خواسته به حرمِ نگاهت قدم می گذارد..
حتی اگر چله گرفته باشَی، به کوه طور نخواهی رسید،
وقتی « حیّ لا یموت» ِ غیر خدا گشته باشی!
معنای این تشویشِ کلماتِ را خدا می فهمد و بس!
او نیز عاشق است...
و سه روز تو را حیرانِ خود می خواند، در «عرفات»
تاهرچه‌ازدنیاطلب کرده‌ای،آنجابگویی «عشق»و«عشق»و«عشق»ولاغیر...
به راستی «عشق» همان «لبیک» است و یا «لبیک» همان «عشق» است؟
شاید هاجر میانِ سعی و صفا می فهمد که زلیخا چگونه عاشقِ
یوسفِ حیاتِ خویش بود، تا آن موقع که خدای یوسف را
عاشق تر نیافته بود.
چه عجیب است حیات و ممات!
چه عجیب است تماشای خاطراتِ گذشته، وقتی بخواهی
اسماعیلِ درونت را زبح کنی!
باید چون ابراهیم مصمم باشیَ! اما نه، باید چون حسین (ع) اقدام کنی...
و گرنه اسماعیل، یوسف می شود؛ و چون تو، در پیچ و خمِ طریقِ
«کنعان» تا «مصر» غلام هزار خواسته گشته ای، پس یعَقوب
نخواهی شد که به اَنتظارِ یوسف چشمش کور شود!
تو زلیخا می شوی!
هر دو عاشق بودند، اما این کجا و آن کجا؟

نویسنده : azadandish

AFSARAN.IR